

دو رکعت قصه

مؤلف: رسول نقی ئی

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: دوم

تاریخ چاپ: ۱۳۸۸ ش

چاپ: وزارت فرهنگی و ارشاد اسلامی

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

تقدیم به تو

آن گاه که به نماز می ایستی

و آن گاه که تکبیر می گویی

و آن گاه

که دستان معصومت را به قنوت بالا میبری...

دعا می کنم که بیایی

[صفحه ۶]

مقدمه

باسمه تعالی

«فقه به معنای خاصش دایره ی وسیعی دارد، انسان، از قبل از ولادت تا بعد از ممات احوالی دارد، و این احوال شامل احوال اجتماعی، زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بقیه شوون اوست؛ تکلیف و سرنوشت همه این ها در فقه معلوم می شود» [۱].

فراوانی ابتلای تمامی اقشار جامعه خصوصاً جوانان به این علم، و پیچیدگی و اغلاق کتاب های فارسی موجود در این زمینه، بیان گر ضرورت تدوین کتاب هایی همه فهم، و خالی از اصطلاحات پیچیده ی علمی می باشد. در راستای تحقق این هدف، و با نظر به جذابیت خاصی که داستان در بین جوانان و نوجوانان دارد، جای خالی این علم پرارزش، در لباس داستان گونه و زبانی بی تکلف کاملاً مشهود می باشد.

هرچند دقت و ظرافت دانش فقه و قیدهایی که در مسائل آن به کار رفته و نیز مصطلحات پیچیده و تخصصی موجود در آن، کار را برای عرضه این علم ارزشمند در قالب داستان مشکل می سازد ولی به هر حال ضرورت، بیش از آن است که چنین مشکلاتی بتواند مانع از این قدم شود.

مجموعه ی حاضر سعی نموده تا با توجه به همین هدف لنگ لنگان قدمی در این مسیر بردارد؛ امید که پیشنهادات و انتقادات مشفقانه ی دوستان در طی مسیر دستگیر این کودک لنگ باشد.

چند تذکر:

۱- وجود اختلاف در استنباط حکم خداوند در بین مراجع عظام تقلید، ضرورت نگارش داستان ها براساس فتوای یکی از مراجع تقلید را روشن می ساخت.

به همین جهت برای گام نخست در موارد اختلافی فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) بیان گردیده است. البته بسیاری از

[صفحه ۷]

آدرس های داده شده در پانویس ها، کتاب هایی است که به قلم مبارک ایشان نوشته نشده ولی بعد از استفتاء و مطابقت فتوای معظم له با آن منبع، در پاورقی ذکر گردیده است.

۲- احادیث و سیره هایی که به صورت داستان در نوشته آمده همه احادیث و سیره هایی هستند که فقهای گرامی مطابق آن فتوا داده اند و در مجموعه به جای نقل فتوا، حدیث مربوطه ذکر شده است؛ بنابراین، بدیهی است برداشت این نظر، که به هر حدیث و روایتی که در کتاب معتبر یافت شد می توان عمل کرد، برداشتی غلط و نارواست.

۳- واضح است که در روند تبدیل اصطلاحات و موضوعات دقیق فقهی به داستان ممکن است حکم فقهی دست خوش تغییر گشته و یا موضوع مقید به صورت مطلق و یا بالعکس نمایان گردد، به همین جهت، نوشته پیش رو، پس از بازدید ادبی توسط استادان، در اختیار استاد محترم جناب حجت الاسلام والمسلمین فلاح زاده (حفظه الله) قرار گرفت، تا اطمینان کامل از صحت محتوا حاصل گردد.

۴- مجموعه ی پیش رو تا این گونه لباس به تن بیاراید، از مطالعه ی رساله های فقهی و استخراج احکام متداول و متناسب با مخاطب تا مطالعه ی کتاب های حدیثی جهت استفاده از احادیث فقهی در خلال آموزش احکام، از روان سازی برخی متون، تا ترجمه احادیث انتخاب شده، از داستان های متعدد اولیه تا داستان ذکر شده در نوشتار، مراحل مختلفی را طی نموده است.

تا مولود حاضر لباس نشر به خود ببیند، دوستانی کم و زیاد، دلسوزانه بر آن مادری کرده اند و حافظه ی بنده به دلیل گذشت بیش از پنج سال از این همکاری، توان یادآوری تمامی آن بزرگواران را ندارد. امیدوارم دوستان عذر مرا پذیرا بوده و به نحوی اسامی مبارکشان را به بنده متذکر شوند.

رسول نقی ئی

ذی القعدة ۱۴۲۹ ق، دی ماه ۱۳۸۷ ش

[صفحه ۱۱]

[۸] مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، ج ۸، ص ۶۰.

اهمیت نماز

خداوند بزرگ.....

خداوند بزرگ نور چشمانم را در نماز قرار داده.
خدایم همان گونه که گرسنه را دوست دار غذا، و تشنه را دوست دار آب گردانیده،
نماز را محبوب من ساخته است.
گرسنه بعد از خوردن سیر است و تشنه بعد از نوشیدن سیراب، و من از نماز سیر نمی شوم.[۸].

[صفحه ۱۲]

[۸] پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و اله)، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۱.

عمود خیمه

عمود خیمه،

اگر محکم و استوار باشد،

میخ ها و طناب های آن سودمند است ولی اگر مایل شود،

میخ و طناب سودی ندارد.

نماز عمود دین است،

مثل عمود خیمه. [۱]

[صفحه ۱۳]

[۱] امام باقر (علیه السلام)، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۸.

پلک های امام.....

پلک های امام بر روی هم افتاده بود. زهر در گوشت و خون مولایم صادق (علیه السلام) اثر کرده و آثار بیماری در چهره شان کاملاً هویدا بود. ناراحت و مضطرب کنار بستر امام چرخ می زدم. ناگهان امام چشم باز کردند. امیدی تازه در دلم جوانه زد. فرمودند: «همین حالا تمام خویشاوندان مرا نزد من حاضر کنید.»

چند دقیقه بعد همه کنار بستر امام سر تا پا منتظر بودند، نفس ها در سینه ها مانده و سکوت همه جا را پر کرده بود. چه شده است که امام همه را به پیش خود خوانده؟!

بالاخره سکوت شکسته شد و امام لب از لب گشودند: «شفاعت ما هرگز نصیب آنان که به نماز کم توجهی می کنند نخواهد شد.» یک دفعه تمام وجود یخ کرد.

همه امیدم به شفاعت است، آن وقت اینگونه نماز می خوانم؛ بی حوصله، تند تند، خیلی وقت ها آخر وقت! [۸].

[صفحه ۱۴]

[۸] بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۱.

عصر روز عاشورا.....

عصر روز عاشورا بود. از صبح، علم هجده تیغه را از این مسجد به آن مسجد کشیده بود. حالا این علم ها از کجا وارد دین و عزاداری ما شده، خدا می داند. بگذریم. خیلی خسته شده بود، و حال نماز خواندن نداشت. می گفت: «از صبح تا حالا ثواب کردیم بسه، امروز بی خیال نماز.»

هیچ کس جرأت امر و نهی اش را نداشت. رفتم جلوش ایستادم و گفتم: «بین آقا رحیم، می خواستم بگم آقات امام حسین با او همه مصیبت، نماز ظهر عاشوراش ترک نشد.»

با انگشت هاش سبیلش رو چرخی داد و آب دهانش رو قورت داد. ادامه داد: «خوب شما هم باید در هر شرایطی نمازت را بخونی.» دستش را گذاشت روی شانه ام، چشمهایم را بستم و با خودم گفتم الانه که شوتم کنه وسط حیاط. با صدای کلفتش گفت: «جوجه ای! ولی مخت بیشتر از من کار می کنه.»

[صفحه ۱۵]

اسلام تان مال خودتان.....

اسلام تان مال خودتان!

«ما و قبیله مان مسلمان می شویم ولی چند تا شرط داریم.»

چند نفری از بزرگان قبیله «ثقیف» با کلی دبدبه و کبکبه پیش پیامبر آمدند. یکی از شرط هاشان این بود که پیامبر، در مورد آنها، بی خیال نماز شود. همه اسلام قبول، ولی ما را از نماز معاف کن.

پیامبر تمام حرف هایشان را شنید و فرمود: «دینی که در آن نماز نباشد، خیری ندارد.»

[۸].

[صفحه ۱۶]

[۸] تاریخ طبری ج ۳، صفحه ۹۹.

نماز با لڑ خانوادگی!

نماز با لڑ خانوادگی!

غذا بی غذا! یادم نمیره، مامان و بابام همیشه با هم نماز می خواندند، قبل از سفره غذا، سفره جانمازهاشون پهن می شد، از جماعت خبری نبود، هرکسی حمد و سوره خودش رو می خوند، ولی همین که با هم می خواندند، موجب شده بود که ما هم پشت سرشون بایستیم و نماز خون بشیم. مامان و بابا، من و خواهرم، دربستی در خونه خدا.

[صفحه ۱۷]

آنقدر به دست و پایت می پیچم.....

«آنقدر به دست و پایت می پیچم،

آنقدر وسوسه ات می کنم،

تا نمازت را کنار بگذاری، تا وقتی که تو نماز می خوانی، از تو می ترسم؛ اگر فقط این نمازت را از تو بگیرم به راحتی تو را به هر گناه بزرگی که بخواهم می کشانم.»

«دوستدارت شیطان».[۱] .

[صفحه ۱۸]

[۱] برداشتی از فرمایشات پیامبر گرامی اسلام، کافی، ج ۳، صفحه ۲۶۹.

یه مقدار برام عجیب بود.....

یه مقدار برام عجیب بود، امام، توی صحبت هاشون، به کسی که خدای نکرده، زنا کرده باشه کافر نمی گفتند، ولی به کسی که نماز نمی خونه کافر می گفتند.

یه روز سوال کردم، امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون زناکار یا شیهه اون، به خاطر غلبه شهوتش اون گناه رو انجام می ده، ولی کسی که نماز رو ترک می کنه، فقط به خاطر سبک شمردن نماز و بی اهمیتی، اون رو ترک می کنه. [۱].

[صفحه ۲۱]

[۱] کافی، ج ۲ صفحه ۳۸۶.

مقدمات نماز

برخی از شرایط بدن و لباس نمازگزار

مقدار پوشش زنان و مردان در نماز (۱)

باد آورده را باد می برد!

اولین چادر نمازی بود که هدیه می گرفتم، در اولین نمازی که باهاش می خوندم، وسط نماز، باد بردش. به همین راحتی!

مانتوم کامل بود ولی جوراب نداشتم، دست و صورتم هم پوشیده نبود [۱].

می دونستم همینطور هم می شه نماز خوند. نماز رو ادامه دادم.

فاطمه (یکی از دوستانم) چادرم رو آورد و سرم کرد. راحت شدم. اینطوری سنگین تر بودم. [۲].

[صفحه ۲۲]

[۱] در هنگام نماز، پوشیده بودن دستها و پاها تا مچ، و صورت (تقریباً به اندازه ای که در وضو شسته می شود) برای خانم ها لازم نیست. هرچند خوب است پاها پوشیده شود.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی مساله ۷۸۹.

مقدار پوشش زنان و مردان در نماز (۲)

وقت تمام! مدادها زمین! برگه ها بالا!

بعد از اینکه جشن تکلیف شون تموم شد، یه مسابقه براشون گذاشتم. نقاشی دختر کوچولوهای تازه به تکلیف رسیده، خیلی قشنگ بود، ولی یک تصور اشتباه، توی ذهن برخی از بچه ها نقش بسته بود. توی چند تا نقاشی، چند تا خانم بود که صورت هاشون رو موقع نماز، با چادرشون پوشیده بودند.

فردا، قبل از نماز، لباس زیبا پوشیدم، طلاهام رو انداختم، چادرم رو سرم کردم و توی صف نماز بلند شدم. گفتم: بچه ها! برای خانم ها خوب نیست، توی نماز صورتشون رو بیوشونن، تازه بهتره گردن بند بندازن، زینت کنن و در مقابل خدا زیبا بایستن.

توی مسابقه بعدی، خبری از اون تصور اشتباه نبود. [۱].

[صفحه ۲۳]

[۱] عروه الوثقی، ج ۱، صفحه ۵۷۳، التاسع و همان، صفحه ۵۷۴، الرابع عشر.

مقدار پوشش زنان و مردان در نماز (۳)

«این دفعه ۳ بار «کرال» می رید و برمی گردید.»

استاد سوت زد و همه شیرجه زدن تو آب. ۳ دور کرال رفتیم؛ خسته و کوفته بغل استخر نفس گیری می کردیم که علی از آب بیرون اومد و بغل گوش استاد یک چیزی گفت. بعد هم رفت به طرف گوشه استخر. با تعجب نگاهش می کردم، وقتی گوشه استخر با همون «مایو» به نماز ایستاد، تعجبم چند برابر شد. رفتم به طرفش.

– «علی! این چه وضعشه؟! این جا هم جای نمازه؟»

– «مگه چه اشکالی داره؟ هم اول وقته هم یک گوشه است و توجه کسی جلب نمی شه.»

– «بابا لختی! این طوری که نمی شه نماز خوند.»

خندید و گفت: همین کافیه. تازه مایوی من بزرگ هم هست. [۱].

[صفحه ۲۴]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۷۸۸.

پاک بودن بدن و لباس

نماز خواندن عمدی با بدن و لباس نجس

«عزیزم! این جا که مغازه بقالی نیست، این قدر چونه می زنی! کاری نداره، یواش یواش نمازهایی رو که خوندی و لباس یا بدنت پاک نبوده دوباره بخون. تازه اون هایی که نمی دونی پاک بوده یا اون هایی که بعد از نماز فهمیدی لازم نیست دوباره بخونی.»

راست می گفت، تقصیر خودم بود. دست اون نبود که کم و زیادش کنه. اگه کله شقی نکرده بودم و بی اعتنا نبودم که این طوری نمی شد. به خودمون می گفتیم: بابا بی خیال! خدا همین طوری هم قبول می کنه، دلت پاک باشه. [۱].

[صفحه ۲۵]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۷۹۹ و أجوبة الاستفتائات مقام معظم رهبری، مسأله ۵۳۸.

نداند بدن و لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود

جوراب هام رو پا کرده نکرده دویدم. خیلی دیر شده بود. گفتم احتمالاً به رکعت آخر برسم. همین طور هم شد.

بعد از نماز با یاسر برگشتیم. یاسر گفت: چیزی شده؟ چرا پشت پیراهنت خونیه؟

– راست می گی؟! نمی دونم.

– شاید پشتت جوش زده بوده، ترکیده.

– ا، ولی من نماز خوندم.

– عیبی نداره، چون اصلاً نمی دونستی و بعد از نماز متوجه شدی اشکال نداره. [۱].

[صفحه ۲۶]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۰۲ – أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، مسأله ۴۳۰.

می دانسته بدن و لباسش نجس است ولی هنگام نماز فراموش کرده و بعد از نماز یادش آمده

پای همه بچه ها ناقص شده بود، دیگه ساق پا برای هیچ کی باقی نمونده بود. به من هم پشت پا زدند، با زانو محکم خوردم زمین. زانوم حسابی خون اومد. «آدم فوتبال هم بازی می کنه، مردونه بازی کنه»، خونه که اومدم بدون این که شام بخورم خوابم برد. صبح حواسم نبود که زانوم خون اومده، وضو گرفتم و همون طور نماز خوندم. بعد از نماز یادم اومد، خون رو شستم و نمازم رو دوباره خوندم. [۱].

[صفحه ۲۷]

[۱] اگه آدم بدونه بدن یا لباسش نجس شده ولی موقع نماز یادش بره، باید بعد از شستن، نمازش رو دوباره بخونه. (در چند مورد، پاک کردن خون لازم نیست که در داستان های ۱۱ تا ۱۵ به آن اشاره شده است). - توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۰۳.

بین نماز یادش آمده

این هم درد سر نگهداری داداش کوچیکه! همین طور که داشت روی پاهام خوابش می برد احساس کردم پاهام خیس شد.

خلاصه یه ذره شلوار و پای ما رو نجس کرد. بلند شدم تا برم لباسم رو عوض کنم که توی هال، تلویزیون مشغولم کرد و یادم رفت. بعد هم با همون حال وضو گرفتم و نماز خوندم. وسط نماز گریه ی همون کوچوله یادم انداخت که لباس و بدنم پاک نبوده، باید نمازم رو رها می کردم، لباسم رو عوض می کردم و دوباره می خوندم. با همه شیرین کاری هاش، این هم دردسر بغل کردنش! [۸].

[صفحه ۲۸]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۰۳.

برخی از مواردی که با بدن و لباس نجس می توان نماز خواند

لباس های کوچک

بنده ی خدا بدجور زمین خورد، آگه چرخ موتور چند سانت این طرف تر می اومد، حتماً تو جوب می افتاد و دست و پاش می شکست.

جلو رفتم تا کمکش کنم. با دستمال پارچه ای که توی جیبم بود خون هایی رو که روی دست و صورتش بود پاک کردم.

دستمال رو انداختم توی یک پلاستیک و گذاشتمش توی جیبم. اذان که شد نمی دونستم با این دستمال، که تو جیبم هست می شه نماز خونند یا نه؟

پرسیدم، اشکالی نداشت. بدن و لباس هایی که تنم هست باید پاک باشه اما چیزهای مثل جوراب، دستمال کوچیک، دستکش و کمر بند لازم نیست پاک باشند. [۱].

خیالم راحت شد و تکبیر رو گفتم.

الله اکبر... [۲].

[صفحه ۲۹]

[۱] این حکم در صورتی است که لباس های گفته شده از مردار یا حیوان حرام گوشت درست نشده باشند.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۶۱.

در صورتی که بدن یا لباس خونی باشد و.....

خون کمتر از بند انگشت (درهم)(۱)

آخه یکی نیست بگه: آدم حسایی! روی آسفالت که کسی شیرجه نمی زنه. حمید با یک شوت بلند از وسطای زمین توپ رو به طرف دروازه فرستاد. به راحتی و بدون زحمت می تونستم بگیرمش. ولی خواستم خودی نشون بدم. توپ که نزدیک شد شیرجه زدم طرفش. توپ رو گرفتم ولی بعدش پهن شدم روی آسفالت. همه ی بدنم درد گرفت. کتف راستم هم، بگی نگي خون اومد. برای نماز مونده بودم چه کنم. حال و حوصله ی شستن نداشتم. حساب که کردم جاهایی که خونی شده بود اندازه یک بند انگشت هم نبود. شنیده بودم اگه خون از اولین بند انگشت سبابه بیشتر نباشه، می شه باهاش نماز خونند. خیالم راحت شد و رفتم که وضو بگیرم.[۱].

[صفحه ۳۰]

[۱] تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۱۲ الثانی.

خون کمتر از بند انگشت (درهم)(۲)

«چه کار می کنی؟ طلب بابات رو که نداری این قدر محکم می زنی. یواشتر!»

یه دوست قدیمی بود که تازه تو کوچه ی ما تزریقاتی زده بود. بعد از کمی خوش و بش، باهاش خداحافظی کردم و رفتم خونه. نماز خوندم و نشستم پای سفره. وسط غذا درد آمپول یادم انداخت که جای آمپول خون اومده بود و من بدون این که بدنم رو بشویم نماز خونده بودم.

خیلی خون نیومده بود ولی چون پنبه ی روش مرطوب بود، اطرافش بیشتر از یه بند انگشت نجس شده بود. جای آمپول رو شستم و دوباره نماز خوندم. [۱].

[صفحه ۳۱]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۰۳ - جامع المسائل آية الله فاضل (ره)، ج ۱، ص ۸۰.

خون کمتر از بند انگشت (درهم)(۳)

توی شهر ما به این روزها میگن «تخم مرغ پزون». یعنی اگه یه شونه تخم مرغ بذاری تو خیابون، یه ساعت بعد بخارپز می شه!

بازار خون دماغ ما هم این روزها داغه. معمولاً توی هوای گرم خون دماغ می شم. حتی بعضی وقت ها وسط نماز. ولی معمولاً خونی که از بینی ام خارج می شه کمه؛ کمتر از مقداری که نماز با اون باطل بشه [۸] برای همین بدون این که نمازم رو بشکنم ادامه می دهم. [۲].

[صفحه ۳۲]

[۸] در صفحه ۲۹ به مقدار مجاز اشاره شده است.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۵۵ - استفتائات آیه الله مکارم، ج ۲، ص ۷۸.

مشکل بودن برطرف کردن خون

هزار دفعه مامانم گفته بود؛ بابا این کارها به تو نیومده. پاشو برو دنبال کارت. می خواستم کمکش کنم. بادمجان اول رو با موفقیت پوست کردم ولی بادمجان دوم دستم بود. همچین پوست رو گرفتم که بادمجان ها و فرش و خلاصه همه چیز پر خون شد. وضو داشتم ولی خون دستم خیلی زیاد بود و شستنش هم مشکل. به این راحتی ها که بند نمی اومد. یه دستی افتادم توی رساله تا پیداش کنم. بالاخره پیداش کردم: «اگر به خاطر زخم یا جراحی یا چیز دیگری که در بدن وجود دارد، بدن یا لباس حتی بیشتر از اندازه سرانگشت سبابه خونی شده باشد ولی آب کشیدن آن یا عوض کردن لباس مشکل باشد تا وقتی که زخم یا جراحات خوب نشده می توان با آن خون نماز خواند.» [۱].

[صفحه ۳۳]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۴۹.

ناچار باشد با بدن و لباس نجس نماز بخواند

خوش انصاف چراغ قرمز رو رد کرد و به پام کوبید که هیچ، بعدش هم در رفت. یکی نبود بهش بگه: بابا! آخه یکی اون بالا هست که توی پرونده ات بنویسه و اون طرف حساب کتاب منه.

یکی دو هفته بستری بودم. تکون نمی تونستم بخورم. نمازم رو هم به سختی نشسته می خوندم. تازه با بدن و لباس نجس، چی کار کنم؟ ناچار بودم.

نمازهام همه درست بود. لازم نبود دوباره قضا کنم. [۱].

[صفحه ۳۴]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۴۸.

به جای نماز، برای کسی که نمی تواند نماز بخواند

دستم بگرفت و پا به پا برد.

اصلاً فراموش نمی کنم خیلی از احکام رو، مادرم یادم داد. من هم باهاشون راحت بودم، هر سوالی داشتم، بدون خجالت می پرسیدم.

یک روز که خودش می خواست بره مسجد، سجاده من رو پهن کرد و گفت: دخترم! من رفتم، تو که فعلاً از مسجد معافی، ولی این چند روز، که نباید نماز بخونی و وارد مسجد بشی، مستحبه وضو بگیری و لباس تمیز بپوشی و به مقدار نمازت، روی سجادت بشینی و به یاد خدا باشی.[۸].

[صفحه ۳۵]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۴۷۶.

غصبی نبودن لباس

صحبت های روحانی مدرسه که تموم شد، گیج و منگ شدم. حاج آقا معنی غصب رو توضیح داد و گفت: «با لباس غصبی نمی شه نماز خوند.»

خدایا! یعنی همه نمازهام باطله؟! تمومش رو باید دوباره بخونم؟ آخه من از کجا می دونستم که اگه کسی خمس مالش رو نده، هرچه که با همون مال بخره غصبیه؟ شنیده بودم با مال دزدی نمی شه نماز خوند اما نمی دونستم که اگه خمس مالت رو ندی یا حتی با لباس برادرت بدون رضایتش نماز بخونی لباس غصبیه و نمازت باطل. [۸].

[صفحه ۳۶]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۱۵ - ۸۲۰.

تهیه نشدن لباس از اجزای مردار و حیوان حرام گوشت

شک در طبیعی یا مصنوعی بودن چرم

کاپشن چرمی خریده بودم که راحت باشم، حالا شده بود مایه دردسرم. نه می تونستم باهاش نماز بخونم نه می تونستم زیر برف و بارون بپوشمش. آخه به گوشتم خورده بود چرم هایی که از کشورهای غیراسلامی وارد می شن پاک نیست، چون اونا ذبح اسلامی ندارند.

بی خود خودم رو به درد سر انداخته بودم، چون نمی دونستم چرم کاپشنم طبیعی یا مصنوعی، می تونستم اون رو استفاده کنم. نه نجس بود، نه برای نماز مشکل داشت. [۸].

[صفحه ۳۷]

[۸] أجابة الاستفتائات مقام معظم رهبری، ۴۲۹.

بداند چرم طبیعی است و از کشورهای اسلامی خریده باشد ولی نداند در کدام کشور

تهیه شده است

سوغاتی آورده بودند. از سوریه؛ ولی چون چرمش طبیعی بود نمی دانستم می شه باهاش نماز خوند یا نه؟

بالاخره زنگ زدم و پرسیدم. گفتند: ساخت کجاست؟

– روش نوشته شده تایوانیه، ولی نمی دونم واقعاً مال کجاست؟

گفتند: چون از سوریه که یکی از کشورهای اسلامی است خریده اند و شما هم اطمینان ندارید کجا تولید شده، پاکه

و می تونید باهاش نماز بخونید.

خیالم راحت شد.[۸].

[صفحه ۳۸]

[۸] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۴۳۱.

زینت کردن مردان با طلا

خجالت می کشیدم رک و پوست کنده با خانم حرف بزنم. هنوز اوایل عقدمون بود؛ می ترسیدم اگه چیزی بگم، کدورتی پیش بیاد و بگو مگو بشه. ولی به هر حال این قدم اول بود. نباید کج برمی داشتم. روز خرید که شد، بهش گفتم: تو که دلت نمی خواد ۲۴ ساعته برام گناه بنویسند؟!

گفت: معلومه که نه!

گفتم: تو که دوست نداری نمازهای من قبول نشه و باطل بشه!

گفت: خب معلومه، ولی چه ربطی به این جا داره؟

گفتم: خیلی ربط داره. انگشتر طلا هم برای مرد حرامه هم نمازش با اون باطله.

خیال نمی کردم به این راحتی قبول کنه. کدورتی که پیش نیومد هیچ، خیلی هم خوب شد. [۸].

[صفحه ۳۹]

[۸] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۴۴۲ (البته ایشان نماز را بنا بر احتیاط باطل می دانند).

مستحبات لباس نمازگزار

پوشیدن بهترین لباس و لباس سفید و تمیز، استفاده از عطر، شانه کردن محاسن، انگشتر

عقیق (۱)

خیال می کردم می خوان برن مهمونی! بهترین لباس هاشون رو می پوشیدن. یه روز بهشون گفتم: آقا! امام حسن! چرا بهترین لباس هاتون رو وقت نماز می پوشید؟
امام فرمودند: خدا زیباست و زیبایی رو دوست داره، برای همین (وقت نماز) خودم رو، برای خدای خودم، زیبا می کنم. [۱].

[صفحه ۴۰]

[۱] وسایل الشیعه، ج ۴، صفحه ۴۵۵، حدیث ۵۷۰۴.

پوشیدن بهترین لباس و لباس سفید و تمیز، استفاده از عطر، شانه کردن محاسن، انگشتر

عقیق (۲)

روی تخت بیمارستان هم دست بردار نبود. اون جا هم سعی می کرد مستحبات نماز رو تا جایی که می شه رعایت کنه. محاسنش رو شونه می کرد و به سختی لباس سفید و تمیز تنش می کرد. بوی عطرش فضای بیمارستان رو پر می کرد.

با اون حالش یه روز هم نمازش رو دیر نخوند.

همه دعا می کردند که بمونه ولی اون هم باید می رفت، چند روز بعد توی اخبار گفتند: «انا لله و انا الیه راجعون، روح خدا به خدا پیوست...» [۱].

[صفحه ۴۱]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۶۴.

پوشیدن بهترین لباس و لباس سفید و تمیز، استفاده از عطر، شانه کردن محاسن، انگشتر

عقیق (۳)

هفت، هشت سالی می شد که با هم دوست بودیم. قرار همیشگی مون مسجد بود. بعد از نماز می رفتیم کتابخونه ی مسجد و درس می خواندیم.

نتایج کنکور که اومد هر کدومون یه جا افتاده بودیم. بعد از کلی پرس و جو شماره تلفنش رو پیدا کردم و دعوتش کردم خونه.

روی کادوی کوچک هدیه اش نوشته بود:

«برای دست هایت

آن گاه که خدا را می خوانی و به نماز می ایستی؛

دستی که مزین به انگشتر عقیق است دوست داشتنی ترین دستی است که به درگاه او بلند شده.» [۱] «[۲].

[صفحه ۴۲]

[۱] حضرت علی (علیه السلام)؛ بحارالانوار ۱۴، ۱۸۷.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۶۴.

شرایط مکان نمازگزار

شرایط الزامی

غصبی نبودن مکان نماز (۱)

«دزدی که شاخ و دم ندارد.»

یه سجاده قشنگ خریده بود برای مادرش. می گفت یه سوغاتی خریده که هر وقت مادرش روش نماز خوند، براش دعا کنه.

بیرون که رفت یکی از بچه ها سجاده رو از توی کیفش برداشت و پهن کرد تا روش نماز بخونه. بهش گفتم: بابا! راضی نیست، برندار.

- «مگه می خوام بخورمش؟! راضی نیست که نباشه! دو رکعت نماز می خونم و می گذارمش سر جاش.»

حرف توی کلش نمی رفت. هم نمازش باطل بود، هم گناه کرده بود. [۱].

[صفحه ۴۳]

[۱] عروۃ الوثقی، مکان المصلی، مسأله ۱.

غصبی نبودن مکان نماز (۲)

بهش گفتم: بابا نمازت باطل بوده، باید دوباره بخونیش.

عصبانی شد و فریاد زد: آخه آدم توی خونه ی خودش هم نمی تونه نماز بخونه؟! درسته که خونه رو به اون اجاره دادم و گفته راضی نیستم بری توش؛ ولی آخه خونه که خونه ی خودمه. یک لیوان آب دستش دادم و گفتم: این که گفتن توی جای غصبی نمی شه نماز خوند همینه دیگه. این جا رو تو اجاره دادی، یعنی که حق مستأجرته، تو داری حق اونو می خوری. حتی اگه با پول حروم - مثل پولی که از ربا به دست اومده - فرش و سجاده بخری و روش نماز بخونی، باز هم غصبی حساب می شه. [۸].

[صفحه ۴۴]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۷۳ و ۸۶۷.

ثابت بودن مکان نماز

«حمید! هر وقت قطار پیچید، تو نیچ»

خنده ام گرفته بود. نامردی کرده بودند. قطار برای نماز صبح نگه داشته بود ولی من رو بیدار نکرده بودند. می دونستم نمی شه نماز رو در حال حرکت قطار خوند، ولی چاره ای نبود. نه می شد قطار رو نگه داشت و نه قبل از طلوع آفتاب به مقصد می رسیدیم.

به زور قبله رو پیدا کردم و توی کویه نمازم رو بستم. حالا هر وقت قطار می پیچد من باهاش نمی پیچیدم؛ باید طرف قبله باقی می موندم.^[۱].

[صفحه ۴۵]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۸۰.

جلوتر ایستادن مرد از زن

«عزیز من! اون وقتی که تو به سیب زمینی می گفتی «دیب دمینی» من این ها رو یاد گرفته بودم.»
اعصابم رو خرد کرده بود ولی دوستش داشتم. خواهر کوچولوم بود. گیر داده بود که نماز تو باطله. می گفت: ماما!
گفته مردها نباید موقع نماز پشت سر زن ها بایستند، مگه این که پرده ای، دیواری چیزی بینشون باشه.
خیلی کنجکاو بود. برای همین هم بعضی وقت ها اعصابم رو خط خطی می کرد. کنار خودم نشوندمش و گفتم:
حرفت درسته، تو جلوتر بودی ولی من دقیقا پشت سرت نبودم، یه وجب فاصله داشتم همین یه وجب کافیه؛ [۸]
نماز هر دو تامون درسته.
بالاخره به زور حالیش کردم. مشکلمش این بود که بیشتر از سنش می فهمید. [۲].

[صفحه ۴۶]

[۸] اگر بین زن و مرد مقداری، حتی به اندازه یک وجب فاصله باشد، جلوتر بودن زن اشکالی ندارد.

[۲] أجابة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۳۷۴.

شرایط غیر الزامی

مستحبات

نماز در حرم ائمه

«بابا مگه ماست خوردی؟ پاشو! حیف نیست حرم بغل گوشت باشه، اون وقت توی مسافرخونه نماز بخونی؟»
بهش گفته بودم: به زور هم که شده من رو بیدار کن، بالاخره موفق شد ولی با کمک یه لیوان آب...!
رفتم حرم. شنیده بودم نماز توی حرم اهل بیت (علیهم السلام) از نماز توی مسجد هم بیشتر ثواب داره. خوابم می اومد ولی بیشتر از این حرفا می ارزید. مگه سالی چند روز قسمت می شه پیام مشهد؟ [۱].

[صفحه ۴۷]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۹۵.

مکروهات

نماز پشت به ضریح ائمه

پیرمرد دست گذاشت روی شونه ام و گفت: این جا نیست. می خواستم یه چیزی بهش بگم، ولی حرمت ریش های سفیدش نرمم کرد.

می گفت: پشت به ضریح ایستادی خوب نیست. اگه بی احترامی باشه - درسته که نمازت صحیحه - اما کار حرامی انجام دادی، برو اون طرف تر.

راست می گفت؛ ضریح، قشنگ دیده می شد. من هم صاف پشت کرده بودم به ضریح. ادبم کجا رفته بود؟! امام رضا ببخشید! [۱] .

[صفحه ۴۸]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۸۴.

نماز در حمام

اون روز خیلی با هم بودیم. استراحت قبل از عملیات بود. قبل از ظهر یه چیزی خوردیم و رفتیم حمام عمومی. خلوت بود. هفت هشت نفر.

وقت نماز چند نفر همون جا نمازشون رو خوندن. گفت: «نماز، توی حمام مکروهه.» لباس پوشید و رفت بیرون. نماز خوند و دوباره برگشت. می خواست غسل شهادت کنه. بهش گفتم: «یکی تو شهید می شی یکی هم رئیس جمهور آمریکا.» خندید و رفت.

وسط عملیات آوردنش. یه تیر خورده بود وسط سینه اش. خشکم زد. [۸].

[صفحه ۴۹]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۸۹۸.

نماز در جای کثیف و روبروی عکس

توی اوج جنگ هم دست بردار نبود. جدی به همه بچه ها گفت: تا نمازخونه رو تمیز نکنید نماز نمی خونیم. نماز خوندن تو جای کثیف مکروهه.

همه شروع کردند. خودش اولین نفر بود. یکی با جارو، یکی با پارچه، یکی با دست، خلاصه هرکسی با یه چیزی تمیز می کرد.

نمازخونه که تمیز شد، نگاهش به عکس یکی از شهدا افتاد که رو دیوار زده بودند. با یه چفیه عکس رو پوشوند. می گفت: نماز خوندن جلوی تصویر انسان یا حیوان کراهت داره. حالا دیگه نمازخونه آماده ی نماز بود. [۸].

[صفحه ۵۰]

[۸] عروۃ الوثقی، ج ۲، صفحه ۳۹۸.

احکام وقت نمازها

استحباب نماز خواندن در اول وقت (۱)

دوربینم رو روی صورتشون زوم کرده بودم. تصویرشون از شبکه های مهم جهان پخش می شد. خیلی از معروف ترین خبرنگارهای جهان توی «نوفل لوشاتو» جمع شده بودند که گزارش تهیه کنند. سوال و جواب های مهمی رد و بدل می شد.

هنوز یک حلقه هم تمام نکرده بودم که وسط کنفرانس، یک دفعه آقای خمینی بلند شد و جلسه رو ترک کرد! همه تعجب کردند. چی شده؟ چه مشکل مهمی پیش آمده؟!

مترجم می گفت: آقای خمینی گفته: «الان وقت نماز ظهره.»
بعداً فهمیدم که مسلمون ها دوست دارند حتماً نمازهاشون رو اول وقت بخوندند.

استحباب نماز خواندن در اول وقت (۲)

«مسافرین گرامی پرواز شماره ی ۳۹۵ به مقصد جده، هرچه سریع تر به هواپیما سوار شوند. هواپیما آمده حرکت می باشد.» برای آخرین بار هم اعلام کرد، اما مگه می تونست سوار بشه؟ ساعت حرکت هواپیما با اذان ظهر مطابق شده بود. عمره مهم تر بود یا نماز اول وقت؟!

بالاخره تصمیم گرفت. بی خیال بلیط و تمام زحمت هایی که کشیده بود شد. رفت نمازخونه و نمازش رو خوند. بعد از نماز، به سالن فرودگاه اومد تا به شهرش برگرده. بلندگو اعلام کرد: «با عرض پوزش از تأخیر در پرواز شماره ۳۹۵، نقص فنی پیش آمده برطرف شده است. مسافرین هرچه سریع تر به هواپیما سوار شوند.»

لبخند زنان خدا رو شکر کرد و سوار هواپیما شد. چند سال بعد توی محراب عبادتش، شهیدش کردن. دومین شهید محراب رو می گم؛ شهید آیت الله دستغیب (رحمة الله علیه).

لزوم اطمینان پیدا کردن به وقت برای شروع نماز

کشید کنار جاده و زد روی ترمز. بلند گفت: فقط یک ربع می ایستیم. یه استراحت مختصری بکنید، بعد هم سریع بیایید بالا. کسی دیر نکنه ها!

هنوز چند دقیقه ای به اذان مغرب مونده بود. نمی دونستم باید چه کار کنم، از یه طرف، فقط وقتی می تونستم نمازم رو بخونم که مطمئن باشم مغرب شده. از اون طرفم اگه نمی خوندم، معلوم نبود کی نگه داره. شانس آوردم. مسافرا طول دادند، خود راننده هم. اونقدر که مغرب شد و نمازم رو خوندم. [۱].

[صفحه ۵۳]

[۱] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۳۵۰.

کسی که نمی داند چند دقیقه بعد نمازش قضا می شود

پاک گیج شده بودم. خواب می دیدم ساعت داره زنگ می زنه. کلی اعصابم خورد شده بود. بیدار شدم. زنگ ساعت، خونه رو گذاشته بود روی سرش. کوییدم روش و ادامه ی خواب. دوباره که بلند شدم، هوا روشن بود. خواب مونده بودم. نمی دونستم چند دقیقه به طلوع آفتاب مونده، ولی گمان داشتم اگر بخوام وضو بگیرم نمازم قضا می شه.[۱].

سریع تیمم کردم و به نیت مافی الذمه [۲] نمازم رو بستم. سوره و مستحبات رو که حذف کردم هیچ، تازه توی رکوع و سجود هم یک بار سبحان الله می گفتم.

بالاخره تموم شد. نمازم درست بود، ولی این رسمش نیست.[۳].

[صفحه ۵۴]

[۱] کسی که گمان دارد وضو گرفتن یا غسل کردن موجب قضا شدن قسمتی از نمازش می شود باید تیمم کند، حتی اگر گمان دارد که با خواندن سوره یا ۳ بار گفتن ذکر رکوع و سجود قسمتی از نمازش از وقت خارج می شود باید به خواندن حمد و یک بار گفتن سبحان الله در ذکر رکوع و سجود بسنده کند.

ولی کسی که گمان ندارد و فقط احتمال می دهد وضو گرفتن یا غسل کردن موجب قضا شدن نماز می شود بعد از وضو یا غسل نماز خود را به صورت عادی به جا می آورد.

توجه داشته باشیم که تأخیر نماز تا حدی که نتوانیم با وضو یا غسل نمازمان را به صورت کامل بخوانیم حرام می باشد.

[۲] یعنی هرچه برگردنش است، قضا باشد یا اداء.

[۳] عروۃ الوثقی، ج ۱، ص ۳۵۶ - ۳۵۷.

وقت نماز مغرب و عشاء

قبل از شام گفتم: غذا بخورم، بعد نماز می خونم. بعد از شام سنگین شده بودم، گفتم: بعد از این سریال. خلاصه اون قدر این پا و اون پا کردم تا ساعت ۱۲ شد. حالا نمی دونستم نمازم قضا شده یا نه. بی خیال فیلم شدم و تکمه قرمز بالای کنترل رو فشار دادم. بعد هم صاف رفتم سراغ قفسه کتاب ها. پیداش کردم: با کوتاهی و بلندی روزها، شب ها هم کوتاه و بلند می شوند. بنابراین ساعت ۱۲ شب، همیشه نیمه شب نیست. معمولاً یازده ساعت و ربع بعد از اذان ظهر در همه ی سال، نیمه شب است و آخر وقت نماز مغرب و عشاء می باشد. البته کسی که خدای ناکرده تا این وقت نمازش را نخوانده گناه کرده، ولی باید تا قبل از اذان صبح آن را [۸] بخواند، اما به نیت مافی الذمه. [۲].

[صفحه ۵۵]

[۸] در فتوای مقام معظم رهبری این حکم، نسبت به نماز مغرب، به صورت فتوا و نسبت به نماز عشاء، به صورت احتیاط واجب می باشد.

[۲] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۳۶۳.

لزوم رعایت ترتیب در بین نمازها

«باز هم مسجد دیر شد.» کاش مسجدها هم یه ناظم داشت تا ما این قدر دیر نکنیم.

پام رو که توی مسجد گذاشتم نماز ظهر تموم شد. ظهرم رو فرادا خوندم و عصر رو به امام اقتدا کردم. باید ترتیب نمازها مراعات بشه. نمی شه اول عصر رو با جماعت بخونم بعد ظهر رو فرادا. [۱] [۲].

[صفحه ۵۶]

[۱] البته این فرد می توانسته نماز ظهر خود را به نماز عصر امام اقتدا نموده و سپس نماز عصرش را به صورت فرادا به جا آورد.

[۲] عروۃ الوثقی، ج ۱، فی النیة، مسأله ۲۴.

رعایت قبله

بعضی وقتها که مستحب است رو به قبله باشیم (۱)

آن گاه که دو دست، خدا را می خوانند به دعا
و دلت زلال می شود به تلاوت قرآن
و لبانت معطر می شوند به ذکر
و نمازت را زینت می بخشی با تعقیبات؛
در آن لحظه که پیشانی به خاک می سایی از برای شکر، و حتی آن گاه که می نشینی؛
رو به قبله باش.
آخر او دوست دارد که ببیند من و تو، جز خانه ی او پناهی نداریم. [۱].

[صفحه ۵۷]

[۱] عروۃ الوثقی، ج ۲، ص ۳۱۰، فصل فیما یستقبل له.

بعضی وقتها که مستحب است رو به قبله باشیم (۲)

«به این می گن جشن. جشنی که میوه و شیرینی اش به راه نباشه که جشن نیست.» دنبال جای خالی می گشتیم. محمد نشست. من هم کنارش.

– بی سلیقه! جا بود انتخاب کردی؟! مبل های به او تر و تمیزی رو ول کردی، روی این صندلی ها نشستی؟! از همه با سلیقه تر محمد بود. رو به قبله نشسته بود. اون همیشه رو به قبله می نشست. [۱].

[صفحه ۵۸]

[۱] عروۃ الوثقی، ج ۲، صفحه ۳۱۰، فصل فیما یستقبل له.

روشهای پیدا کردن قبله

استفاده از قبله نما

هر چهارتامون مثل نعل دراز شدیم بغل وسایل. از کت و کول افتادیم. این هم در دسر خونه ی اجاره ای. هر سال باید خونه به دوش باشی.

یه ساعت بعد حمید رفت ناهار بگیره. ما هم چون قبله رو نمی دونستیم برای نماز این پا و اون پا می کردیم. بیست دقیقه بعد حمید اومد. با چند تا غذا و یه قبله نما.

استفاده از موقعیت جغرافیایی ایران

باید هر جوری بود اطلاعات دقیق عملیات رو به بچه ها می دادیم. کارمون تا شب طول می کشید. باید نماز ظهر و عصر رو وسط بیابون می خوندیم. می دونستم توی ایران اگه به سمت جنوب غربی بایستیم تقریباً به طرف قبله ایم. شرق و غرب رو از طلوع و غرب خورشید پیدا کردم. شرق و غرب که مشخص شد، پیدا کردن جنوب غربی کاری نداشت.

[صفحه ۶۰]

کسی که نمی توند به صورت معمولی رو به قبله بایستد

شده بودم مثل مومیائی ها. چهار دست و پام رو گچ گرفته بودند. هرکسی می اومد ملاقاتم کلی می خندید. تا حالا همه جوره نماز خونده بودم ولی درازکی نه! موقع نماز چون نمی تونستم بایستم یا بشینم، خوابیده نماز می خوندم. می گفتم تخت رو عمود به قبله بذارند؛ اون وقت به پهلوی راست می خوابیدم، مثل مرده توی قبر. سرم طرف راست قبله بود و پاهام به طرف چپ. این طوری تمام بدنم رو به قبله می شد. [۸].

[صفحه ۶۱]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۷۷۹.

کسی که با استفاده از راهی معتبر به طرفی نماز خوانده ولی بعد متوجه شده که قبله آن طرف نبوده است

انحراف کمتر از ۹۰ درجه

برای خودش یه پا ستاره شناس بود. خیال می کردم حرفش ردخور نداره. یک هفته به همون طرفی که گفته بود نماز خوندم. ولی قبله ۵۰ - ۶۰ درجه اون طرف تر بود. البته چون انحرافم از قبله، کمتر از ۹۰ درجه بود لازم نبود دوباره نمازهام رو بخونم. [۱] [۲].

[صفحه ۶۲]

[۱] کسی که از راهی معتبر جهت قبله را پیدا کرده و به آن طرف نماز خوانده ولی بعداً متوجه شده که قبله جهت دیگری است در صورتی که کمتر از حدود نود درجه از قبله مایل بوده لازم نیست نمازهای قبلی خود را دوباره بخواند. [۲] تحریرالوسیله، المقدمة الثانية فی القبله، مسأله ۴۲.

انحراف بیشتر از ۹۰ درجه

حساب که کردم بیشتر از نود درجه بود. حسابی گرسنه بودم، فکر کنم به جای کعبه به طرف رستوران محل نماز خونده بودم! نمی دونم از کجا یقین پیدا کرده بودم که قبله این طرفه. خیال کردم همه نمازهایی که اون طرفی خوندم رو باید دوباره بخونم اما همه نمازهام درست بود. فقط چون هنوز وقت آخرین نمازم تمام نشده بود باید اون رو دوباره می خوندم. ایستادم ظهر و عصر رو به طرف قبله خوندم. آخه هنوز آفتاب غروب نکرده بود. [۱] [۲].

[صفحه ۶۵]

[۱] کسی که از راهی معتبر به طرفی نماز خوانده و بعداً متوجه شده که حدود نود درجه از قبله منحرف بوده، باید در صورتی که وقت باقی است نمازهایی را که هنوز وقت آن تمام نشده دوباره بخواند مثلاً اگر هنوز غروب نشده و وقت خواندن نماز ظهر و عصر باقی است آن دو را دوباره بخواند.

[۲] تحریرالوسیله، المقدمة الثانية فی القبله، مسأله ۴.

مقدمات مستحبی نماز (اذان و اقامه)

استحباب اذان و اقامه

امام صادق (علیه السلام) به من [۱] فرمودند: «اگر قبل از نماز اذان و اقامه بگویی، دو صف از ملائکه پشت سرت می ایستند و به تو اقتدا می کنند.»

[صفحه ۶۶]

[۱] محمد بن مسلم از شاگردان بزرگ امام صادق (علیه السلام)، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۶۲۰.

شهادت به ولایت حضرت علی در اذان و اقامه

از تعجب داشتم شاخ در می آوردم. با خودم گفتم: توی این دنیا همه چیز ساندویچی شده بود غیر از اذان و اقامه! حاج آقا اذان و اقامه رو بدون «اشهد ان علیا ولی الله» گفت! طاقت نیاوردم و بعد از نماز رفتم پیششون. گفتند: من گفتم؛ شاید متوجه نشدی، ولی اصلاً این جمله، جزء اذان و اقامه نیست، چون شعار ما شیعه هاست خوبه بعضی جاها تکرارش کنیم. [۸].

[صفحه ۶۷]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۱۹ و أجوبة الاستفتائات مقام معظم رهبری، ۴۵۶.

اذان و اقامه قبل از نمازهای مستحبی

زیارت عاشورا که تموم شد، ایستادم تا نماز زیارت رو بخونم. اذان و اقامه رو گفتم و نمازم رو بستم. تموم که شد، علی بشقاب سیبش رو گذاشت جلوم و گفت: حمید! از کی تا حالا برای نمازهای مستحبی هم اذن و اقامه می گن؟

راست می گفت. نماز زیارت مستحبیه؛ اذن و اقامه نداره.

«کاسه ی داغ تر از آتش» یعنی همین. [۸].

[صفحه ۶۸]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۱۶.

اذان و اقامه در گوش نوزاد

آسمان و زمین هم مانده بودند شاد باشند و بخندند، یا گریه کنند و باران غم ببارند. حسین (علیه السلام) به دنیا آمده بود. مولود فرخنده ای که هرکس خبری از شهادتش داشت، اشک در چشمانش حلقه می زد.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمودند: «اسماء! فرزندم را بیاور» حسین (علیه السلام) را در پارچه ای سفید پیچیدم و به خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آوردم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در گوش راست فرزندشان اذان و در گوش چپ اقامه خواندند، سپس او را در آغوش کشیدند و گریستند. شاید از آن روز به بعد بود که همه ی مسلمان ها کنار گوش نوزادهایشان اذان و اقامه می گفتند. [۸].

[صفحه ۷۱]

[۸] بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۱۱.

مقارنات نماز (مسائلی که در بین نماز رعایت می شود)

مقدمه

بعضی از نمازهای واجب

شروع کرد به شمردن: صبح، ظهر، عصر، ...

گفتم: نه، اینا فقط نمازهای یومیه (روزانه) است. ما چند تا نماز واجب دیگه هم داریم؛ مثل نماز قضای پدر و مادر که پسر بزرگ باید بخونه یا نماز طواف یا نماز میت. ولی هیچ کدوم از این ها با خونه های این جدول جور نیست. یک کلمه چهار حرفی که با الف شروع می شه.

یک کمی فکر کرد و گفت: آهان، درسته، وقتی که زلزله می آد یا ماه می گیره. آره! نماز آیات. یادم اومد. درست بود. هم چهار حرفی هم اولش الف. [۸].

[صفحه ۷۲]

[۸] أجوبة الاستفتائات مقام معظم رهبری، ۵۴۲.

منظور از رکن و غیر رکن و فرق آنها

وسط رکوع فهمیدم تشهد رکعت قبل رو فراموش کردم. نمی دونستم باید چه کار کنم. نماز رو ادامه دادم و با خودم گفتم: بعد از نماز می پرسم اگه نمازم اشتباه بود دوباره می خونمش.

بالاخره گفتم. این دفتر استفتائات، بعضی وقت ها از صف نونوایی هم شلوغ تره. حاج آقا گفت: «نمازتون درسته» [۸]

بعضی قسمت های نماز مثل قرائت، ذکر، تشهد، سلام و ... رو اگه سهواً انجام ندی اشکالی نداره ولی بعضی از قسمت ها مثل تکبیر، قیام، رکوع و سجده ها (که ارکان نماز هستند) حتی اگه سهواً هم ترک بشه نماز باطل می شه.» [۲] .

[صفحه ۷۳]

[۱] این فرد باید بعد از سلام نماز، قضای تشهد خود را انجام دهد. یعنی نماز را که سلام داد یک تشهد به جای تشهد فراموش شده بخواند.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، ص ۵۵۲.

حضور قلب

آخر صحبت های حاج آقا بود که وارد مسجد شدم و یه گوشه نمازم رو بستم.
«الله اکبر»...

«خب، امروز چهار تا راه برای اینکه توی نماز حواسمون جمع باشه گفتیم:

- ترجمه نماز رو یاد بگیریم.

- ذکرها و سوره ای که توی نماز میخونیم اگه تکراری و خسته کننده شده عوض کنیم.

- وقت وضو گرفتن حواسمون جمع باشه.

- و آخر از همه اینکه قبول کنیم که حضور قلب پیدا کردن تمرین میخواد.»

صحبت های حاج آقا تموم شد.

نماز من هم...!

عجب حضور قلبی! [۸].

[صفحه ۷۴]

[۸] تفسیر نمونه، جلد ۱۴، صفحه ۲۱۵.

مقارنات وجوبی

نیت

رکعت دو بود یا سه، یکی یکی نمازها رو رها کردند. یه موش وسط صف های نماز جماعت! بگذریم از این که من چه کار کردم.

عده ی کمی نماز رو با امام به پایان رسوندند. امام جماعت بعد از نماز، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفتند. از تیر توی پای ایشون که نمی تونستند بیارنش بیرون. به پیشنهاد امام حسن (علیه السلام)، وقت نماز سراغ حضرت رفتند. امام اون قدر غرق عبادت بوده اند که چیزی متوجه نمی شوند.

با چشم هام که دیگه خیس شده بود به اطرافم نگاهی انداختم. همه سرشون پایین بود. همه شرمنده ی خدا بودند.

عدم لزوم ذکر نیت

پیرمرد بود. حافظه اش یاری نمی کرد. به زور این یک جمله رو حفظ کرده بود: «۴ رکعت نماز ظهر می خوانم، بر من واجب قربۀ الی الله» خیال می کرد باید نیت نماز رو به زبان بگه. جوون بودم و جای نوه اش حساب می شدم. بهش گفتم: همین که بدونی چه نمازی می خونی کافیه، بی چون و چرا قبول کرد. بهش که برنخورد هیچ، حسابی هم تحویلم گرفت.

مثل این که کلی راحت شده بود! [۸].

[صفحه ۷۶]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۴۷.

لزوم اخلاص در عبادت

عبادت، عملی است که تو آن را به خاطر خداوند و برای نزدیک شدن به او انجام می دهی. عبادتی که برای دیگران انجام شود و با ریا همراه باشد، تو را به محبوبیت نزدیک نمی کند. نماز هم همین طور. عبادتی برای او، نه برای خودنمایی. اگر قسمتی از نماز را برای غیر او بخوانیم نمازمان باطل است و باید دوباره آن را بخوانیم.[۸] .

[صفحه ۷۷]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۴۷.

قیام

قیام بعد از رکوع

راننده دستش رو گذاشته بود روی بوق و دست بردار هم نبود. هنوز هفت هشت نفری مونده بودن که نمازشون تموم نشده بود.

تقصیر ما هم نبود. چهار تا دستشویی بود و پنج شش تا اتوبوس. پام رو گذاشتم روی گاز و با آخرین سرعت ممکن نماز رو خوندم. رکعت آخر بعد از رکوع که بلند شدم، چون حواسم نبود کامل نایستادم. توی اتوبوس کلی فکرم مشغول بود؛ نمی دونستم نمازم درسته یا نه؟ آخرش یادم اومد. قیام (ایستادن کامل) بعد از رکوع، واجبه. ولی چون از واجبات رکنی نیست [۱]، فقط اگه عمداً ترک بشه نماز باطل می شه. یه نفس راحت کشیدم. [۲].

[صفحه ۷۸]

[۱] البته باید توجه داشته باشیم که قیام، هنگام تکبیره الاحرام و قبل از رکوع از ارکان نماز است. بنابراین اگر به خاطر عجله کردن و رسیدن به رکوع نماز جماعت، تکبیر را در بین راه بگوییم یا بعد از تکبیر و قبل از رکوع اندکی نایستیم نمازمان باطل می شود. چه سهواً این کار را انجام داده باشیم و چه عمداً.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۵۸.

ایستادن بر روی یک پا؛ قرار دادن سنگینی بدن بر روی یک پا

«گردن کلفتی و قلدری هم حدی داره بابا.»

با همون نگاه اول هرکسی می فهمید چقدر شارلاتانه! ولی با همه ی این حرفا نمازش رو می خوند. تازه تو مسجد. هرچند توی نماز هم قلدری اش معلوم بود! آدم خیال می کرد با خدا دعوا داره. مثل آدم هایی که سر چهارراه می ایستند، سنگینش رو می داد روی یه پاش و نماز می خوند. چون دو تا پاش روی زمین بود نمازش درست بود. لازم نیست سنگینی بدن روی دو تا پا باشه. [۱].

[صفحه ۷۹]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۶۳.

قیام اضافی

خیال کردم رکعت دومم. برای همین بعد از تشهد برای رکعت سوم بلند شدم. وسط تسبیحات فهمیدم که رکعت چهارم بوده و باید نماز رو سلام می دادم. بی خیال تسبیحات شدم نشستم و نماز رو سلام دادم. نماز درست بود ولی چون اشتباهی ایستاده بودم، دو تا سجده سهو [۱] بعد از نماز انجام دادم. [۲].

[صفحه ۸۰]

[۱] طریقه انجام سجده سهو، در صفحه ۱۴۲ بیان شده است.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۰۶.

در چه صورت می توان نماز را نشسته خواند؟

با وانت آوردنش بیمارستان. ولی چون پاش سیاه شده بود، قطعش کردن. هنوز یاد نگرفته بود روی یک پا بایسته. به زحمت کنار دیوار تکیه می داد و نماز رو ایستاده می خوند. می گفت: کسی که می تونه حتی با عصا یا تکیه دادن بایسته، نباید نشسته نماز بخونه.

چند روز بعد راحت می دوید، یک پایی. با همون یک پا از بیمارستان فرار کرد. مگه می تونست ۱۰ روز دیگه روی تخت بخوابه، او وقت بچه ها توی خط مقدم تیکه تیکه بشن.[۱].

[صفحه ۸۱]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۷۲.

قرائت

حمد و سوره (عدم صحت نماز به زبان فارسی)

امون از رفیق!

هی توی گوشم می خوند که: «چه معنی داره ما نمازمون رو به عربی می خونیم؟» مخ دو سه تا از بچه ها رو زد و بالاخره شروع کردن به فارسی نماز خواندن.

یک هفته بعد باید می دیدیشون؛ هر کدومشون یه جور نماز می خوند و یه جور ترجمه می کرد، نه جماعتی، نه اتحادی. یواش یواش گفتند: «اصلاً چرا ترجمه این عبارات رو بخونیم؟ خودمون با خدا حرف می زنیم.» از چند روز بعد می نشستند و به جای نماز چند دقیقه با خدا حرف می زدند. هفته بعد خبری از اون چند دقیقه هم نبود. بهشون گفتم: «دیدید چطوری شیطان نمازتون را ازتون گرفت. ۱۴۰۰ سال بود نماز یه وسیله وحدت بود و نسل به نسل بدون تغییر، به ما رسیده بود، شما یکی دو هفته ای فاتحه اش رو خوندید.»

مستحبات و مکروهات قرائت

سوره هایی که مستحب است در نمازهای روزانه خوانده شود

از شدت شوق توی پوستش نمی گنجید.

این همه راه از مدینه تا خراسان، چه صفایی داره آدم با امامش باشه! اون هم با امام مهربونی مثل امام رضا (علیه السلام)!

مثل پروانه دور امام می چرخید توی همه ی نمازها به امام اقتدا می کرد. می گفت: [۱] «امام همیشه توی رکعت اول نمازش سوره قدر می خونه و توی رکعت دوم، سوره توحید.»

[صفحه ۸۳]

[۱] یکی از همراهان امام رضا (علیه السلام) در سفر به خراسان، وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۷۹.

بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحيم و اعوذ بالله من

توفیق بزرگی نصیب شده بود. مدت ها نمازهایم را پشت سر امام صادق (علیه السلام) می خواندم. خوب یادم هست. [۱] همیشه قبل از شروع قرائت، «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» و «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند می خواندند و بعد از آن حمد را شروع می کردند.

[صفحه ۸۴]

[۱] حنان از یاران امام صادق (علیه السلام)، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۳۴.

شمرده خواندن سوره حمد و اخلاص

دیدنی بعضی ها نوشابه رو یک نفس تا تهش می خورند، بعد هم گازش از دماغ و دهنشون می زنه بیرون؟ من هم نمازم رو همین طوری می خوندم.

اول حمد، یه نفس می گرفتم و تا آخر سوره ی «قل هو الله احد» با همون یه نفس می رفتم. بعد فهمیدم مکروهه سوره حمد یا اخلاص رو با یک نفس بخونیم.

خوبه نماز رو شمرده شمرده بخونیم. مثلاً داریم با خدا صحبت می کنیم. [۸].

[صفحه ۸۵]

[۸] عروۃ الوثقی، ج ۱، تسحبات القرائه، مسأله ۲ - توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۲.

مسائل قرائت

بلند یا آهسته خواندن قرائت در نماز و فراموش کردن آن

– «علی! وسط راه بنزین تموم کردی!! چرا وسط حمد و سوره صدات اومد پایین و بقیه رو آروم خوندی؟»
خنده اش گرفت و گفت: نه، گاز سوزش کردم، به این زودی ها تموم نمی شه. حواسم نبود که نماز ظهر و عصر رو باید آهسته بخونیم. یادم که اومد بقیه حمد و سوره رو آهسته ادامه دادم. [۱] [۲].

[صفحه ۸۶]

[۱] در مورد نماز صبح، مغرب و عشاء نیز همین طور است، یعنی در صورتی که سهواً آرام خواندید، لازم نیست دوباره آن ها را بلند تکرار کنید. البته اگر نماز صبح، مغرب و عشاء را عمداً آهسته بخوانیم، نمازمان صحیح نیست.
خانم ها می توانند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدایشان را می شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخوانند.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۹۵.

لزوم صحیح خواندن نماز و عدم لزوم رعایت قواعد تجوید

به زور اومده بود خط مقدم. می گفت: درسته که پیرم و نمی تونم خیلی کار کنم ولی یه آب که می تونم بدم بچه ها. بی کار می شد، با بچه ها قرائت نمازش رو درست می کرد. خیال می کرد باید همه ی قواعد تجوید رو رعایت کنه. بهش گفتم: بابا! فقط به عربی صحیح بخونی کافیه؛ دیگه لازم نیست تجوید رو رعایت کنی. حتی «والاضالین» رو هم واجب نیست بکشی. باورش نمی شد. حق داشت. اون قدر سر کارش گذاشته بودیم که حرف راست رو هم قبول نمی کرد. از حاج آقا که پرسید خیالش راحت شد. حاج آقا بهش گفته بود: اگه یاد بگیری و بتونی مراعات کنی خوبه. [۸].

[صفحه ۸۷]

[۸] عروة الوثقی، القرائه، ۴۱ - أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۴۶۷ - توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۰۳، قسمت آخر.

کسی که قسمتی از قرائتش را اشتباه می خوانده

کله اش بوی قرمه سبزی می داد. همه ی پادگان رو به هم می ریخت. یه هفته که بچه ها براش جشن پتو گرفتند به راه اومد.

نمازش رو اشتباه می خوند. به جای «غیر المغضوب علیهم»، «غیر المغضوب علیهم» می گفت. یه روز که قرار شد همه نمازشون رو پیش حاج آقا چک کنند، تازه فهمید که اشتباه می خونه. ولی می گفت: حاج آقا گفته: اگه خیال می کردی نماز رو باید همین طور بخونی، نمازهای قبلی ات صحیحه ولی از الان درست بخون. [۸].

[صفحه ۸۸]

[۸] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۴۷۶.

اگر قبل از رکوع بفهمیم که قسمتی از قرائت را اشتباه خوانده ایم

حاج آقا «قل هو الله» رو که گفت، دوباره از وسط های حمد شروع کرد به قرائت. خیلی تعجب کردم تا آخر نماز فکرم رو مشغول کرده بود.

نماز که تموم شد بعد از تسبیحات رفتم پیششون و سؤال کردم.

اگه قبل از رکوع بفهمیم قسمتی از قرائت رو اشتباه خوندیم، باید برگردیم و از همون جا دوباره بخونیم، اما اگه توی رکوع یا بعد از اون متوجه بشیم نمازمون صحیحه و اشکالی نداره.

خواندن سوره سجده دار در نماز واجب

اون جا آدم نماز خوندنش می گرفت. خوشمون می اومد که روبروی کعبه توی مسجدالحرام بایستیم و نماز بخونیم. سوره های مختلفی رو توی نمازهام می خوندم. اون هایی رو هم که حفظ نبودم از روی قرآن؛ وسط نماز قرآن رو باز می کردم و شروع می کردم به خوندن.

دیروز توی نماز صبح، سوره ی علق رو خوندم. از امام جماعت اون جا یاد گرفته بودم ولی بعداً فهمیدم سوره هایی که سجده واجب دارند رو نمی شه توی نماز واجب خوند. نماز باطل می شه. امام جماعت اون جا شیعه نبود. برخی از مذاهب اسلامی خوندن سوره ی سجده دار رو توی نماز جایز می دونند.[۱].

[صفحه ۹۰]

[۱] تحریرالوسیله، ج ۱، القرائه، مسأله ۴.

تغییر دادن سوره بعد از شروع آن

امین! امین! امین! صدای داداشم بود که حالا یواش یواش داشت بلندتر می شد.
وسط نمازم بودم؛ نماز عشا. شب جمعه بود و هوس کرده بودم سوره ی جمعه رو توی نمازم بخونم. هنوز ابتدای سوره بودم، ولی اگه ادامه می دادم نمازم طول می کشید. مثل این که کار مهمی داشت.
سوره ی جمعه رو رها کردم [۱] و یه سوره ی کوچک شروع کردم. [۲].
این طوری هم به برادرم جواب داده بودم، هم نمازم صحیح بود. [۳].

[صفحه ۹۱]

- [۱] سوره جمعه اگه توی نماز ظهر روز جمعه خونده بشه، دیگه نمی تونی اون رو عوض کنی مگه این که یادت بره و بقیه سوره رو فراموش کنی.
- [۲] شما می تونید هر سوره ای رو که توی نمازتون شروع کردید، غیر از سوره «اخلاص» و «کافرون»، حتی بدون دلیل تغییر دهید و سوره دیگری را انتخاب نمایید، اما به شرطی که به وسط سوره نرسیده باشید، که در این صورت باید سوره را ادامه دهید و نمی توانید آن را عوض کنید مگر این که بقیه سوره را فراموش کرده باشید.
- [۳] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۹۸۸-۹۹۱.

سوره هایی که باید با هم خوانده شوند

امام جماعت سوره ی «والضحی» رو تمام کرد و من به رکوع رفتم. خیال کردم که امام هم به رکوع رفته، ولی دیدم باز بسم الله گفت و سوره ی «الم نشرح» رو شروع کرد. بعد از نماز بلند شدم و رفتم کنارشون. داشتند تسبیح می گفتند.

- حاج آقا بیخشید، مگه خودتون نفرمودید که بهتره بعد از حمد یک سوره بیشتر نخونیم، پس چه طور شما هم سوره ی «والضحی» رو خوندید و هم سوره ی «الم نشرح» رو؟

حاج آقا گفت: درست گفتی علی آقا! اما سوره ی «والضحی» با «الم نشرح» حکم یک سوره رو دارند و اگه توی نماز اولی رو خوندی، باید بعدی رو هم بخونی. سوره ی فیل و قریش هم همین طوره یعنی توی نماز باید با هم خونده بشن. اول فیل بعد قریش. [۸].

[صفحه ۹۲]

[۸] تحریرالوسیلة فی القرائه، مسأله ۳ و ۶.

تسبیحات اربعه

در هر رکعت چند بار تسبیحات واجب است؟

قربون این حواس. لنگه اش هیچ جا پیدا نمی شه. باز هم حواسم پرت شده بود. توی رکعت سوم، وسط تسبیحات شک کردم دو تا تسبیحات گفتم یا سه تا. به هر حال فرقی نمی کرد. بی خیال شدم و رفتم رکوع. در رکعت سوم و چهارم یک بار تسبیحات هم کافیه ولی بهتره که ۳ بار بگیریم. [۸].

[صفحه ۹۳]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۰۵.

خواندن اشتباهی حمد و سوره به جای تسبیحات

بوی قرمه سبزی پیچیده بود توی اتاق و وسط نماز، قاروقور شکم ما رو بلند کرده بود. حواسم پرت شده بود. داشتم توی رکعت سوم به جای تسبیحات اربعه حمد و سوره می خوندم. حمد و سوره رو قطع کردم و تسبیحات را گفتم. نمازم صحیح بود ولی این رسمش نیست، آدم حضور قلبش به قرمه سبزی بیشتر باشه تا به خدا! [۸].

[صفحه ۹۴]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۱۲.

رکوع

مقدار ذکر واجب

خیال می کردم خیل سرم می شه. بعد از نماز بهش گفتم: «حامد! زیادی تو حال رفتی. از کی تا حالا توی رکوع، به جای ۳ تا سبحان الله سه بار الحمدالله می گن؟»

گفت: از وقتی که بعضی ها ندونسته اشکال می گیرن. توی رکوع یا سجده هر ذکری رو می شه گفت فقط باید [۱] کمتر از اندازه ی تعداد حروف «سبحان ربی الاعلی و بحمد» نباشه. هرچند «سبحان الله» و «سبحان ربی العظیم و بحمد» در رکوع و «سبحان ربی الاعلی و بحمد» در سجده بهتره.

دلم می خواست آب بشم برم توی زمین. تا من باشم رساله نخونده مردم رو راهنمایی نکنم. [۲].

[صفحه ۹۵]

[۱] بنا بر احتیاط واجب.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۲۸.

مستحبات

طول دادن رکوع

دیگه سحر شده بود. حسابی نگران شده بودم. سریع پله های پشت بام رو بالا رفتم. از اول شب، برای عبادت رفته بود اون جا؛ کنار گنبد.

در پشت بام رو که باز کردم بوران برف و سرما زد داخل راه رو. هوا حسابی سرد بود. پالتوم رو به خودم پیچیدم و رفتم بالای پشت بام. شیخ حسن هنوز اون جا بود، در حال رکوع، زیر سطحی از برف که پشتش رو پوشونده بود. [۸].

[صفحه ۹۶]

[۸] خاطره ای از شیخ حسنعلی اصفهانی (ره)، معروف به نخودکی. به نقل از مسئول پشت بام حرم مطهر امام رضا (علیه السلام).

ذکر رکوع و سجده

جایجا گفتن ذکر رکوع و سجده

«سبحان ربی الاعلی و بحمده». سر از رکوع برداشتم. توی سجده وقتی ذکر می گفتم احساس کردم این ذکر تکراریه. تازه فهمیدم توی رکوع ذکر سجده رو گفتم. حضور قلب من توی نماز حرف نداره! آگه یه مقدار پیشرفت کنم احتمالاً توی رکوع، حمد و سوره می خونم! نمازم صحیح بود. ذکر رکوع و سجده رو می شه حتی عمداً هم جا به جا گفت. [۸].

[صفحه ۹۷]

[۸] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۴۸۰.

ثابت بودن بدن در هنگام ذکر رکوع و سجده

فرمانده ی لشکر بی خبر اومده بود بازرسی. همه خبردار ایستاده بودند ولی من... سریع تمومش کردم. نصفی از ذکرها رو بین راه می گفتم و بقیه رو با عجله. دوتا سبحان الله توی رکوع، یکی توی راه. خلاصه تموم شد.

می خواستم برم پیش بقیه که نشست کنارم. دست داد و قبول باشه گفت. هول شده بودم. گفت: عزیز من! من که کسی نیستم؛ اگه بالاتر از من هم اومده بود، نباید برای نماز کم می گذاشتی. ذکر رکوع و سجده رو باید هنگامی که بدنمون ثابت، شروع کنیم. اگه عمداً مقداری از ذکر رو بین راه بگیریم، نمازمون باطل می شه. ولی اگه سهواً سر از رکوع یا سجده برداشته ایم، نمازمون صحیحه.

از شرم خیس عرق شدم. ما رو باش، از فرمانده خجالت می کشیم، از خدا... [۱].

[صفحه ۹۸]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۳۰ - ۱۰۳۳.

شرط ذکرهای مستحبی که در جاهای مختلف نماز گفته می شود

سر نماز که می شد وقت برام طلا بود. سه سوت تمومش می کردم. اما وقت گپ زدن با بچه ها، ارزش وقت اصلاً مطرح نبود. هرچی طول می کشید ککم هم نمی گزید.

دیروز، هادی بهم تذکر داد. راست می گفت. «سمع الله لمن حمده»، «الله اکبر» و همین طور بقیه ی ذکرهای مستحبی رو توی حرکت می گفتم.

می گفت: ذکرهای مستحبی هم باید سر جاش گفته بشه. «سمع الله» رو باید بعد از رکوع، وقتی که بدن ثابت ایستاده گفت. «الله اکبر» بعد از سجده ها هم باید در حال آرامش بدن گفته بشه. فقط «بحول الله و قوته اقوم و اقعد» در حال حرکت مستحبیه. [۸].

[صفحه ۹۹]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۴۳ - ۱۰۹۱.

سجده

مستحبات

طول دادن سجده

همان طور که پیشوایم گفت، ذلیلت می کنم با سجده هایم.
اجرمی برم از زجرت و لذت می برم از ذلتت.
تو از خضوع من فرار می کنی و من از غرور تو.
تو از سجده سرپیچی کردی و من به سجده افتخار.
ابلیس! اگرچه این زانوان از طول سجده به درد اذعان کنند و پیشانی از مهر خضوع پینه ببندد، باز هم خوشنودم.
خوشنود از نعره های ناتوانی تو، که بلندتر و بلندتر می شود و لبخند رضایت خدا، که ملیح تر و ملیح تر.^[۱]

[صفحه ۱۰۰]

[۱] میزان الحکمه، ج ۲، ۱۲۵۳.

قرار دادن بینی بر روی مهر

چهار چشمی مراقبشون بودم. نماز می خواندند، اون هم چه نمازی. می دونستم هر عملی که انجام می دهند، حکمتی داره. بهترین پیامبر خداست. مگه می شه بدون دلیل کاری انجام بده؟ سجده که می رفتند، اصرار داشتند که علاوه بر پیشانی، بینی مبارکشون هم روی خاک قرار بگیره.

نمی دونم، شاید می خواستند گوشه ای از خشوع وصف ناپذیرشون رو این طوری پیش خدا نشون بدهند. [۸].

[صفحه ۱۰۱]

[۸] وسائل الشیعة، ج ۶، ۳۴۳.

استفاده کردن از مهر کربلا

می گفت: امام صادق (علیه السلام) دستمال زردرنگی داره که توی اون مقداری از تربت امام حسین (علیه السلام) رو نگهداری می کنه. وقت نماز که می شه سجاده شون رو پهن می کنند، دستمال رو روی اون باز می کنند و روی اون تربت سجده می کنند.

امام، هیچ گاه بر غیر از تربت پاک حسین (علیه السلام) سجده نکرد. [۸].

[صفحه ۱۰۲]

[۸] بحارالانوار، ۹۸، ۱۳۵- وسائل الشیعة، ۵، ۳۶۶.

واجبات

قرار دادن اعضای هفتگانه بدن بر روی زمین - قرار دادن بقیه اعضا

ترکش خورده بود روی پاش. ۴ تا انگشتش کامل رفته بود. فقط شست پاش مونده بود. می گفت این یکی رو نزده اند؛ گذاشتند که موقع سجده بگذارمش روی زمین!

سجده که می رفت خنده دار بود. سه تا انگشت رو می گذاشت روی زمین؛ یکی از پای قلم شده اش، دو تا از پای سالمش. بهش گفتم: مگه نباید فقط شست پامون روی زمین باشه؟ گفت: شست پات رو بگذار. بقیه رو گذاشتی گذاشتی، نگذاشتی نگذاشتی. [۸].

[صفحه ۱۰۳]

[۸] عروۃ الوثقی، ج ۱، سجود، مسأله ۷ و أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، ۴۹۶.

قرار دادن سر بر روی چیزی که سجده بر آن صحیح است

صف جماعت شده بود کلکسیون مهر. جاتون خالی بود. توی جنگل، اون هم نزدیک ساحل با این بچه های باصفا. عجب اردویی شده بود!

مهر کم آورده بودند، ولی توی جنگل هزار قلم چیز بود که می شد روش سجده کرد؛ سنگ، چوب، برگ، چمن [۱] خلاصه هرچی که از زمین باشه [۲] یا از زمین سبز بشه، به شرطی که خوردنی یا پوشیدنی نباش، می تونه مهر آدم باشه. [۳].

[صفحه ۱۰۴]

[۱] کاغذ، سیمان، موزاییک، آجر، گچ و آهک نیز همین حکم را دارند.

[۲] البته سنگ های معدنی مثل طلا و نقره این حکم را ندارند.

[۳] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۷۶ و أجوبة الاستفتائات مقام معظم رهبری، ۴۸۹.

پاک بودن محل سجده

موقع سجده، پیشانی ام محکم به مهر خورد و جوشش باز شد. وسط دو سجده فهمیدم مهر خونی شده، مهر رو برعکس کردم و برای سجده دوم قسمت پاک پیشانی ام رو روی مهر گذاشتم. آخه فقط جایی که پیشانی رو می گذاری باید پاک باشه؛ نجس بودن اون طرف مهر یا فرش زیر مهر اشکالی نداره. [۸].

[صفحه ۱۰۵]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۶۵.

فاصله نشدن چیزی بین پیشانی و مهر

- این هم یه مهر سیاه پوست.
- این همه مهر بود، یکی درست و حسابی برمی داشتی.
- درهم بود. اگه سوا می کردم گرون حساب می کرد.
- بابا! شوخی نکن این خیلی سیاه شده، نمی شه روش نماز خوند.
- اونی که شنیدی، وقتی که به خاطر استفاده زیاد، روی مهر لایه ای فاصله بشه و مانع قرار گرفتن پیشانی روی مهر باشه. [۱].

[صفحه ۱۰۶]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۶۰.

مساوی بودن محل سجده و جای زانو‌ها مگر

خاک ریز رو بسته اند به توپ و خمپاره؛ وجب به وجب. از این بالا، از توی این دکل داغ، اثری از آدمی زاد نیست. فقط چند نفر به زور توی این خاک ریزها یک جای صاف و امن پیدا کرده اند برای نماز. آخه جای نماز باید صاف باشه. شیب بین پیشانی و زانو‌ها وقتی که سجده می کنند نباید از ۴ انگشت بیشتر باشه [۸].

[۲].

[صفحه ۱۰۷]

[۱] رعایت این شرط برای شیب بین پیشانی و نوک انگشتان پا نیز بنابر احتیاط لازم است.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۵۷.

نشستن و آرامش بدن، بین و بعد از دو سجده

شب های بلند زمستون، اون هم توی اسارت و زندان خیلی سخت بود. اگه حاجی نبود دوام نمی آوردیم. هر شبی یه جور بچه ها رو سرگرم می کرد. هم خستگی از تنشون بیرون می رفت، هم یه چیزی یاد می گرفتند. اون شب یکی یکی نماز می خواندند و هرکسی کمتر غلط داشت امتیاز بیشتری می گرفت. خیلی خوش به حالم شده بود. تقریباً نفر آخر بودم. هرچی بقیه غلط داشتند، من دقت کردم تا اشتباه نکنم. منتظر بالاترین امتیاز بودم ولی نماز من هم اشکال داشت. حاجی می گفت: باید بین دو سجده و بعد از سجده ی دوم کامل بشینی. ولی من بعد از سجده ی دوم صاف بلند می شدم.[۸].

[صفحه ۱۰۸]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۵۶ - ۱۰۷۵.

چند مسأله

حرکت دادن اعضای بدن در سجده

«سجده ی آخر نماز با اعمال شاقه»

سجده ی آخر نماز جماعت بود و حاج آقا یه مقدار بیشتر از معمول طول داد. یه پشه ی فرصت طلب هم از فرصت استفاده کرد و رفت توی گوش ما. هرچی بهش گفتم: «بابا! اون نمرود بوده، تازه توی بینی اش هم رفته بوده...» گوشش بدهکار نبود! بالاخره دستم رو از جای سجده برداشتم و گوش مبارک رو یه حالی دادم ولی نمی دونستم نمازم درسته یا نه؛ خیال می کردم توی سجده نمی شه اعضای سجده [۱] رو حرکت داد. پرسیدم. نمازم درست بود. توی سجده، غیر از پیشانی، می شه بقیه ی اعضای سجده رو بلند کنی و حرکت بدی، البته به شرطی که در حال حرکت دادن، ذکر سجده رو نگی. [۲].

[صفحه ۱۰۹]

[۱] اعضای سجده، همان هفت عضوی است که واجب است هنگام ذکر سجده بر روی زمین باشد، یعنی پیشانی، کف دو دست، زانوها و انگشت بزرگ پاها.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۵۴.

چسبیدن مهر به پیشانی بعد از سجده اول

از سجده ی اول که بلند شدم، مهر به پیشونی ام چسبیده بود. علاقه ی مهر بعضی وقت ها به من زیاد می شه، مخصوصاً وقتی که پیشانی من خیسه. مهر رو جدا کردم و گذاشتم سر جاش. بعد، برای سجده دوم سرم رو گذاشتم رویش. این طوری سجده ی دومم هم صحیح بود.[۱].

[صفحه ۱۱۰]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۸۶.

جدا شدن پیشانی از مهر قبل از آرام گرفتن بدن در سجده

به این می گن یه فرود ناموفق!

بعد از رکوع با سرعت به سجده رفتیم. بر اثر سرعت زیاد، سرم به شدت به مهر خورد و بعد از برخورد، بلافاصله بلند شد و دوباره روی مهر قرار گرفت. نمی دونستم این دو برخورد کافیه و دو سجده حساب می شه یا باید یک سجده دیگر برم؟

با خودم گفتم: یک سجده ی دیگه می رم، بعد از نماز هم نگاه می کنم، اگه نمازم درست بود که هیچ، و الا دوباره می خونم.

بعد از نماز نگاه کردم، درست بود.

«اگر بی اختیار سرتان از روی مهر بلند شد و توانستید اجازه ندهید که سرتان دوباره به مهر برخورد کند، همان برخورد لحظه ای را یک سجده حساب کنید. ولی اگر بی اختیار دوباره سرتان به مهر برخورد کرد، این دو برخورد را یک سجده حساب کنید و بعد یک سجده ی دیگر نیز بروید.» [۸] .

[صفحه ۱۱۱]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۷۱.

از دست دادن مهر در وسط نماز(۱)

یه بچه ی شیطان، نماز همه رو ریخت به هم. وسط نماز، مهر مردم رو جمع کرد و برد گوشه ی مسجد. به زحمت جلوی خنده ام رو گرفتم. یکی دو متر اون طرف تر کنار دیوار یه مهر بود. یواش یواش بدون این که رو از قبله برگردونم و حالت نمازم رو به هم بزنم، ساکت شدم، خودم رو به مهر رسوندم و ادامه نمازم رو خوندم. نباید نمازم رو می شکستم.[۱].

[صفحه ۱۱۲]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۸۷.

از دست دادن مهر در وسط نماز(۲)

مهر کاغذی بهتر از این نمی شه! شنیده بودم روی کاغذ هم می شه نماز خوند. بدون این که دنبال مهر بگردم وسط سالن نمازم رو بستم. پنجره باز بود. باد زد و مهر کاغذی مارو برد. موندم چی کار کنم. نزدیکم چیزی نبود که بدون شکستن نماز بتونم بردارمش و روش سجده کنم. چون وقت نماز زیاد بود نمازم رو شکستم و دوباره خوندم. ولی این دفعه یه مهری برداشتم که طوفان هم نمی تونست اون رو ببره! [۸] .

[صفحه ۱۱۳]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۸۷.

سجده قرائت

وجوب سجده در هنگام شنیدن آیه

خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت نباش! غلغله بود. توی مسجد جای سوزن انداختن هم نبود. قاری دعوت کرده بودند. وسط قرائت یک دفعه حسین و چند نفر دیگه سجده رفتند.

با خودم گفتم: این ها چرا این طور می کنن. همه نشسته اند خوب نیست... توی همین فکرها بودم که مجری اومد پشت میکروفن: «آیه ی آخر سوره نجم که الان قرائت شد، سجده واجب دارد و پس از خواندن یا شنیدن آن باید سجده کنیم.»

ظاهراً حواس اون ها جمع تر بود. [۱].

[صفحه ۱۱۴]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۹۳.

وجوب سجده در هنگام شنیدن آیه از نوار یا رادیو

تلویزیون رو روشن کردم و یه دوری توی کانال ها زدم. یه کانال قرآن می خوند با صوت. ترجمه ی آیه ها هم روی صفحه نوشته می شد. همین طور که گوش می دادم، قاری آیه ی سجده دار خوند. آیه ی ۳۲ سوره سجده. سریع یه مهر پیدا کردم و به سجده رفتم. پخش مستقیم نبود ولی باز هم لازم بود سجده کنم. از سجده که سر برداشتم مامانم دید.

«از کی تا حالا قبل اذان نماز می خونند؟» خیال کرده بود نماز می خونم. خنده ام گرفت. تازه قضیه رو فهمید. [۱].

[صفحه ۱۱۵]

[۱] أجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری، مسأله ۵۰۰.

واجبات سجده قرائت

شانس آوردن که کوچه خلوت بود و کسی رفت و آمد نمی کرد. یکی نبود به ما بگه آخه آدم حسابی، اگه سوار دوچرخه، سوره هایی رو که حفظی دوره می کنی، سوره های سجده دار رو نخون. حواسم نبود، سوره ی علق رو حفظ کرده بودم و داشتم برای خودم دوره می کردم. یک دفعه فهمیدم که آیه ی آخرش رو هم خوندم. از دوچرخه پریدم پایین، یه سنگ پیدا کردم و همونجا سجده کردم. وضو نداشتم. قبله رو هم بلد نبودم. ولی توی این سجده نه وضو و قبله لازمه، نه ذکر. فقط یک مهر بردار و برو سجده. [۱] [۲].

[صفحه ۱۱۶]

[۱] علاوه بر سه آیه ای که در این داستان و دو داستان قبل به آن ها اشاره شد، آیه ۳۸ سوره فصلت نیز از مصادیق احکامی است که در داستان های مذکور بیان شده است.
[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۰۹۷.

تشهد

استحباب حالت تورک در بین و بعد دو سجده و هنگام تشهد و سلام

خیلی سخت بود. دوست داشت آب بشه بره زیر زمین. آخه از شاگردهای خوب امام صادق (علیه السلام) بود. دلش نمی خواست این طور جلوی امام خجالت زده بشه. یه روز امام صداش کرده بود و فرموده بود: «می تونی یه نماز بخونی که تمام ویژگی هاش رو رعایت کنی؟»

وقتی حماد^[۱] نماز رو خوند، امام فرمودند: «خیلی زشته که یه مرد شصت هفتاد ساله نتونه یه نماز کامل بخونه.» بعد هم امام بلند شده بود و خودش دو رکعت نماز خونده بود. حماد هم سر تا پا چشم و گوش شده بود تا ببینه امام چه طور نماز می خونه. حماد می گفت: «امام حمد و سوره رو با ترتیل خوند، آرام و باخشوع. وقتی سجده می کرد، بینی رو هم روی زمین می گذاشت. توی سجده ساعدهاشون روی زمین نبود. بین و بعد دو سجده هم به صورت تورک می نشستند (دو زانو، روی ران چپ می نشستند و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار می دادند).»^[۲] .

[صفحه ۱۱۷]

[۱] حماد بن عیسی از شاگردان امام صادق (علیه السلام).

[۲] در این حدیث شریف امام بسیاری از شرایط نماز را به حماد یاد داده اند که برای رعایت اختصار نقل نگردید مراجع شود به: بحارالانوار، ج

فراموش کردن تشهد

چراغ قرمز خیلی طولانی بود؛ ۱۲۰ ثانیه. برای این که حوصله ی مردم سر نره، روی یک صفحه ی نمایش گر بزرگ پیام نمایش می دادند. کشکول بود به تمام معنی. همه چیز توش پیدا می شد. یه چراغ قرمز پیام بهداشتی، یکی شعر، یکی پیام بازرگانی، بعضی وقت ها هم یکی مسأله ی شرعی. «اگه قبل از رکوع رکعت سوم یادتون اومد که تشهد نخوندید می شنید، تشهد رو می خونید و بعد بلند می شید و تسبیحات رو شروع می کنید. اما اگه بعد از رکوع یادتون اومد، نمازتون درسته، ولی بعد از نماز علاوه بر قضای تشهد دو سجده ی سهو [۸] هم انجام دهید. سفر به خیر.»

نمی دونم طرف با این طرحش خوش سلیقه بوده یا بد سلیقه!؟

[صفحه ۱۱۸]

[۸] طریقه انجام سجده سهو در بخش پنجم، صفحه ۱۴۲ بیان شده است.

سلام

در نماز وجوب جواب دادن سلام در هنگام نماز

خیال می کردم کسی خونه نیست، در رو باز کردم و سلام کردم.[۱] یک دفعه یک نفر جواب داد: «سلام علیکم». اولش ترسیدم ولی بعد...
داداشم بود. داشت نماز می خواند. خودش که نمی تونست سلام کنه ولی باید جواب سلام من رو می داد.[۲].

[صفحه ۱۱۹]

[۱] فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عندالله مباركة طيبة «و هنگامی که داخل خانه ای شدید، بر خویشتن سلام کنید، سلام و تحیتی از سوی خداوند، سلامی پر برکت و پاکیزه!»، سوره نور ۶۱ - ترجمه علامه طباطبایی (ره) و آیه الله مکارم شیرازی (حفظه الله).
[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۳۷.

اگر کسی به وعده ای که نماز جماعت می خوانند سلام کند

سن زیادی نداشت؛ هشت نه سال. ولی خیلی فهمیده بود. دیروز توی مسجد دیدمش. وسط نماز بودم که وارد مسجد شد و سلام کرد، می خواستم جوابش رو بدم. ولی نه، باید صبر می کردم اگه اون هایی که نماز نمی خواندند جوابش رو دادند که هیچ؛ و الا من باید جواب می دادم. چند لحظه صبر کردم، انگار کسی سلامش رو نشنیده بود. [۱]. [۲].

[صفحه ۱۲۰]

[۱] حکم ذکر شده در صورتی است که نمازگزار بداند منظور سلام کننده سلام به او هم بوده ولی اگر احتمال بدهد که منظور او فقط کسانی بوده که نماز نمی خوانند، نباید جواب او را بدهد.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۴۱ - ۱۱۴۷.

در غیر نماز سلام قبل از کلام

تا به حال از نزدیک ندیده بودمش. صورتش، لبخندش، حرف زدنش، همه مثل رسول خدا (صلی الله علیه و اله) بود. با خودم گفتم: حسین (علیه السلام) تنها یادگار رسول خداست. باید جوری خودم رو نشونش بدهم، برام دعایی کنه، توجهی کنه.

جلو رفتم و گفتم: خدا سلامتی و عافیتتون بده، حالتون چه طوره؟ نگاهم کرد و با لبخندی فرمود: «اول سلام، بعد کلام، خدا سلامتت دارد. نگذارید کسی قبل از سلام کردن به حرف زدن پردازد.» [۱] .

[صفحه ۱۲۱]

[۱] موسوعة کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ۷۵۰.

اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند

انگار با هم مسابقه گذاشته بودیم. به هم رسیده نرسیده، سلام می کردیم. خیلی وقت ها هم دوتایی با هم. حالا پیدا کنید پرتقال فروش را. دعوا می شد که من باید جواب سلام رو بدم یا اون. بعد از کلی جر و بحث سؤال کردیم. هردومون باید به هم جواب می دادیم. [۱].

[صفحه ۱۲۲]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۴۹.

سلام رساندن به دیگران

تازه از سفر رسیده بودیم که سلمان را در شهر دیدیم. بعد از سلام و احوال پرسی، پرسید: «امانتی من کجاست؟ امانتی مرا بیاورید.»

– «امانتی؟ کدام امانتی؟ در مدتی که پیش آشنایانت بودیم جز یک سلام خشک و خالی، چیزی ندادند تا برایت بیاوریم.»

– «من هم همان را می گویم، چه امانتی ارزشمندتر از سلام، سلام، درود و دعای اهل بهشت است.»

ملحقات

تعقیبات نماز

تسبیحات حضرت فاطمه

ما اهل بیت، همان گونه که فرزندانمان را به نماز سفارش می کنیم، به خواندن تسبیح حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز سفارش می کنیم.

۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدالله، ۳۳ مرتبه سبحان الله.

«تو نیز این تسبیح را ترک نکن؛ زیرا هرکس این تسبیح را ترک نکند و به خواندن آن مداومت ورزد، سنگدل و شقی نخواهد شد.» [۱].

[صفحه ۱۲۴]

[۱] امام صادق (علیه السلام)، خطاب به یکی از یارانشان، سنن النبی، ۲۸۵.

استحباب دعا بعد از نماز

زمین داشت قل می زد، مثل یک دیگ که آبش جوش اومده باشه. مثل آبله هایی که کف پاش بسته بود. ولی وسط اون آفتاب، توی اون لباس خاکی بسیجی، باز هم از دعاهای بعد از نمازش دست برنمی داشت. هرچی می خواست راحت و خودمونی از خدا می خواست. همه رو دعا می کرد. می گفت این سنت پیامبره، مستحبه. پیامبر همیشه بعد از نماز دعا می کرده. [۱].

[صفحه ۱۲۵]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۲۲.

سجده شکر و چگونگی آن

آن گاه که گفت و گو با محبوبیت را وداع گفتی،
و نمازت را سلام دادی،
سر بر خاک بگذار و او را شکر نما.
شکر، چون توفیق نمازت داده.
«شکراً لله، شکراً لله، شکراً لله» [۱].

[صفحه ۱۲۶]

[۱] برداشتی از وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۵، حدیث ۲.

قنوت

قنوت را می توان به هر زبانی خواند

مدتی در دانشگاه بین المللی درس می خوندم. از هر ملتی اون جا بودند. قنوت نمازها رو فراموش نمی کنم. خیلی بامزه بود. قبل و بعد از قنوت همه ی ذکرها عربی بود ولی نوبت قنوت که می شد، بعضی ها به زبان خودشون دعا می خوندند. یکی فارسی، یکی آذری، یکی انگلیسی، یکی ژاپنی ... عجب خدای با حالی! [۸].

[صفحه ۱۲۷]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۴۸۸.

فراموش کردن قنوت

خودش رو انداخت توی بغلم و دوباره شروع کرد به مزه ریختن!

- بابایی! بابایی! دیدی خودت هم توی نماز حواست پرته؟

- چرا دخترم؟!

- آخه بعد از قنوت صاف شیرجه زدی و رفتی سجده؛ پس رکوعت کجا رفت؟

- بلا! قبل از رکوع یادم رفت قنوت بخونم، بعدش خوندم. دیدی حواس بابات سر جاشه؟!

- نه خیر، خب، چرا قنوت یادت رفته بود؟! [۱] .

[صفحه ۱۲۸]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۲۱.

اثر نافله و نمازهای مستحبی

در محضر امام سجاد (علیه السلام) بودم که فرمودند:

«آیا می دانی فقط مقداری از نماز قبول می شود که بنده، در آن توجه و حضور قلب دارد؟»

به امام (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم، پس ما با این نمازهایمان به هلاکت می رسیم؟!

حضرت فرمودند: خداوند این نمازهای ناقص را با نافله ها [۱] و نمازهای مستحبی کامل می سازد. [۲]

[صفحه ۱۲۹]

[۱] نافله نمازهای یومیه در غیر روز جمعه، به این صورت است:

نافله نماز صبح دو رکعت، ظهر هشت رکعت، عصر هشت رکعت، مغرب چهار رکعت، عشاء دو رکعت و نافله شب (که همان نماز شب است) یازده رکعت می باشد.

در روز جمعه به نافله ظهر و نافله عصر، دو رکعت اضافه می شود. (توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۷۶۳).

[۲] بحارالانوار، ۸۴، ۲۶۵، با اندکی اختصار.

اهمیت نماز شب و روش خواندن آن (۱)

«چند بار تصمیم گرفته ام، این زمین نشینان را عذاب کنم،

ولی وقتی نگاهم به،

کسانی که خانه ام را آباد می کنند،

و کسانی که نماز شب می خوانند [۱]،

یا کسانی که به خاطر من، با هم دوستند،

و یا کسانی که سحرها، بخشش گناهانشان را می خواهند،

وقتی نگاهم به این ها می افتد،

بی خیال عذاب می شوم.» [۲].

[صفحه ۱۳۰]

[۱] نماز شب، یازده رکعت است که حدوداً، وقتی یازده ساعت و ربع، از اذان ظهر بگذرد، می توانی آن را بخوانی. هرچند بهتر است نزدیک اذان

صبح خوانده شود. البته جوانی که خواندن نماز شب برای او، بعد از نیمه شب مشکل است، می تواند قبل از نیمه شب نیز آن را بخواند. (عروۃ

الوثقی، ج ۲، صفحه ۲۶۶)

برای خواندن نماز شب، ابتدا چهار تا نماز دو رکعتی به نیت نماز شب می خوانی، بعد دو رکعت، به نیت نماز شفع و بعد یک رکعت، به نیت نماز وتر.

[۲] برداشتی از یک حدیث قدسی، بحارالانوار، ج ۸۴، صفحه ۱۲۱.

اهمیت نماز شب و روش خواندن آن (۲)

فقط یه چرت دیگه!

پدر، بیدارم کرد ولی اصلاً حال بلند شدن نداشتم، بالاخره، با اصرار پدر بلند شدم و برای خواندن نماز شب به حرم حضرت علی (علیه السلام) رفتیم.

کنار درب حرم، کسی گدایی می کرد. پدر پرسید: «این شخص چقدر به دست می آورد؟»
گفتم: «خیلی کم.»

گفت: شوق به یک مبلغ ناچیز دنیوی، که یقینی هم نیست، این فرد را، در این وقت شب، به اینجا کشانده. آیا به اندازه این شخص هم، به وعده های خدا اعتماد و انگیزه نداری؟ خدا فرموده: «هیچ کس خبر ندارد که چه نور چشمی هایی برای آنان (نماز شب خوان ها) پنهان نموده ام» [۱].
صحبت زیبای پدرم، تا آخر عمر نماز شب خوانم کرد.

[صفحه ۱۳۳]

[۱] سوره سجده آیه ۱۷ (عروه الوثقی، ج ۲، صفحه ۲۶۶) شب مردان خدا، صفحه ۴۳: گوینده داستان، فرزند مرحوم آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشند.

برخی از مبطلات نماز

خوردن و آشامیدن؛ فروبردن غذای لای دندان در بین نماز

آدمی که مسواک نزنه نمازش از این بهتر نمی شه. خودم هم خجالت کشیدم. می دونستم فرو بردن غذای لای دندان ها نماز رو باطل نمی کنه. ولی آخه بی ادبی هم حدی داشت. [۸].

[صفحه ۱۳۴]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۵۵.

خندیدن عمدی و به هم زدن حالت نماز

به این می گن الاغ بی محل! نمی دونم از کجا پیداش شده بود. فکر کنم خیلی گرسنه بود. یه سروصدایی وسط نماز راه انداخت که نگو.

هرکاری کردم که فقط لبخند روی لبام باشه و خنده ام بی صدا باشه، نشد. بالاخره ترکید و شروع کردم به غش غش خندیدن. چون حالت نمازم به هم خورده بود، با این که عمداً نخندیدم، نماز باطل بود. این هم از حضور قلب ما! [۱] .

[صفحه ۱۳۵]

[۱] عروۃ الوثقی، ۱، مبطلات، السادس.

منحرف شدن از جهت قبله

وسط نماز بودم که یک دفعه صدایی بلند شد. حواسم نبود، سرم را به طرف صدا برگردونم؛ بعد که فهمیدم در حال نماز، سرم رو برگردوندم و نماز رو ادامه دادم. نمی دونستم نمازم باطل شده یا نه.

افتادم توی رساله، این مسأله و اون مسأله، بالاخره پیداش کردم:

اگه عمداً این کار رو انجام می دادید و سرتون آن قدر برمی گشت که نگویند رو به قبله اید، نمازتون باطل می شد، ولی چون سهواً این کار رو انجام دادید، نمازتون صحیحه.

البته اگه سرتون کاملاً به طرف راست یا چپ برگشته (یعنی حدود ۹۰ درجه با قبله اختلاف پیدا کرده) احتیاطاً نمازتون رو تمام کنید ولی دوباره هم بخونید. [۸].

[صفحه ۱۳۶]

[۸] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مبطلات نماز، پنجم، مسأله ۱۱۳۱.

چند مسأله

آیا قهر و دشمنی دو مسلمان نماز را باطل می کند؟

موقع قهر کردن، مثل بچه ها با بهانه های بی خود قهر می کردیم. ولی وقت آشتی کردن مثل بچه ها نبودیم. کینه ها شتری می شد و اسم آشتی می شد منت کشی. خیال می کردم هر کسی سه روز قهر باشه نماز و روزه اش باطله. کلی با خودم کلنجار رفتم. بالاخره یک جعبه شیرینی گرفتم و رفتم خنوشون. بعداً که فهمیدم آشتی کردن چه قدر ثواب داره، حسابی خودم رو تحویل گرفتم. ولی یک چیز دیگه هم فهمیدم؛ قهر، اصلاً نماز و روزه آدم رو باطل نمی کنه، هرچند در قبول شدن اونا تأثیر داره.

[صفحه ۱۳۷]

اگر بخواهیم در نماز چیزی رابه کسی بفهمانیم

کاش می شد این تلفن ها رو یه کاری کرد که موقع نماز بگه «هنگام نماز مغازه تعطیل است.»
در مغازه رو نیمه باز گذاشتم و پشت ویتترین، نمازم رو بستم. وسط نماز تلفن زنگ زد. یکی دو تا سه تا، دست بردار هم نبود. بالاخره گوشی رو برداشتم و همان طور نمازم رو پشت گوشی ادامه دادم. طرف فهمید و قطع کرد، ولی نماز من صحیح بود. چون کلماتی که پشت گوشی گفته بودم به قصد نماز گفته بودم نه برای این که چیزی رو بفهمونم. [۱].

[صفحه ۱۳۸]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۳۴.

در چه وقت هایی می توانیم در بین نماز، نماز را رها کنیم؟

دست بردار هم نبود. دستش رو گذاشته بود روی زنگ و همین طور فشار می داد. هرکی بود کار مهمی داشت. ولی چه کار کنم وسط نماز بودم، تازه رکعت اول. تا نمازم تمام می شد، طرف رفته بود. بی خیال شدم و نمازم رو ادامه دادم. مورد اضطراری هم نبود. نه خطر جانی نه خطر مالی، هیچی. با خیال راحت نمازم رو خوندم. نیم ساعت بعد دوباره زنگ زد. همون بود. برگشته بود.^[۱].

[صفحه ۱۴۱]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۵۹.

شکایات نماز

شک در بجا آوردن سجده

دستش رفت روی کلید تکرار.

طرف گوشی رو برداشته بود و بلند بلند «الو» می گفت. کوچولوی ما هم که هنوز بلد نبود حرف بزنه مثل کر و لال ها صدا در می آورد.

دیگه نزدیک بود خنده ام بگیره و نمازم باطل بشه که به خودم اومدم. نشسته بودم ولی نمی دونستم دو تا سجده انجام دادم یا یکی؟ چون وارد واجب بعدی [۱] نشده بودم یک سجده ی دیگه انجام دادم. [۲].

[صفحه ۱۴۲]

[۱] منظور از وارد شدن در واجب بعدی شروع کردن تشهد یا ایستادن برای رکعت بعد می باشد.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۷۵.

یکی از موارد سجده سهو و طریقه بجا آوردن آن

- همین جا بشین. هر اشتباهی که از من گرفتی، یک بستنی!
- بالاخره یه راه پیدا کردم که سرگرمش کنم و نمازم رو بخونم. نمازم که تموم شد، شروع کرد:
- خب بالایی! می شه دو تا بستنی.
- یکی رو قبول دارم. رکعت دوم اشتباهی سلام دادم؛ اون یکی برای چی؟
- اون یکی که بزرگ تر بود. رکعت چهارم وقتی نمازت تموم شد دو تا سجده رفتی، تازه بعدش هم تشهد و سلام خوندی.
- این ها به خاطر همون اشتباه اولی بود. اگه اشتباهاً نمازمون رو سلام بدیم، باید بعد از نماز، اون سجده ها و تشهد و سلام رو انجام بدیم. بهش می گن سجده سهو. [۱] [۲].

[صفحه ۱۴۳]

[۱] اگر در سجده سهو این جمله را به عنوان ذکر بگوید کافی است: «باسم الله و بالله اللهم صل علی محمد و آل محمد».

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۲۴۳ و ۱۲۵۰.

چند مورد از شکهای مبطل نماز

هیچ کدوم از بچه ها باورشون نمی شد. ولی حسابی روی حرف خودش ایستاده بود. معلم فارسی رو می گم. گفته بود: دفعه ی بعد همه ی املاء رو از یه کتاب غیر درسی می گیرم. یه کتاب باز کرد و شروع کرد:

«اگر در تعداد رکعت های نماز صبح و مغرب یا دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی شک کنیم و پس از مقداری فکر کردن، نتوانیم گمان کنیم که کدام رکعت هستیم، نمازمان باطل می شود.» [۱] .

– حمید! حواست کجاست؟ بنویس دیگه! [۲] .

[صفحه ۱۴۴]

[۱] نمازهای دو رکعتی که در مسافرت می خوانیم، نیز همین حکم را دارند.

[۲] اجوبۃ الاستفتاءات، ۱۱۶۵ و ۱۱۶۶.

شک در رکعت سوم و چهارم

این هم یک گزارش گر سمج!

وسط میدون دوربینش رو زوم کرده بود روی صورتم و گیر داده بود که اگه توی نمازت شک کنی که رکعت سومی

یا چهارم، چه کار می کنی؟

(فکر می کنم موضوع گزارش ها ته کشیده بود، حالا اومده بودند سراغ احکام)

- چند لحظه فکر می کنم، از بین ۳ و ۴ طبق هرکدوم که احتمال بیشتری می دادم، نمازم رو ادامه می دم.

- اگه احتمال هر دو مساوی بود چی؟

- با خودم می گم: ان شاء الله که رکعت چهارمم. نمازم رو تمام می کنم و بعد یک رکعت نماز احتیاط می خونم.

- چه جوری؟

- بنویس به حسابم، باشه طلبت.

دیرم شده بود. سرم را انداختم پایین و در رفتم. [۱] [۲].

[صفحه ۱۴۵]

[۱] در صفحه بعد، روش خواندن نماز احتیاط بیان می شود.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۹۹.

طریقه خواندن نماز احتیاط

نمازش رو که سلام داد، بدون این که صورتش رو از قبله برگردونه، ایستاد و تکبیر گفت. آهسته یه حمد خوند و رکوع رفت. بعد از سجده هم تشهد و سلام.

- علی! می شه بیرسم این نماز یه رکعتیه چی بود بعد از نمازت خوندی؟!

- نماز احتیاط؛ بعضی وقتها اگه احتمال بدی نمازت کم داشته، با این جبرانش می کنی [۱] [۲].

[صفحه ۱۴۶]

[۱] یکی از موارد وجوب نماز احتیاط در داستان قبل اشاره شده است.

[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۲۱۵.

شک در خواندن یا نخواندن نماز

تازه گل یا پوچ حسابی گرم شده بود که صادق جاش رو با جلال عوض کرد. دو رکعت نماز خوند و برگشت. می گفت: قضای نماز صبحم بود. خوندمش که یادم نره. صبح خواب مونده بودم. وسط بازی همه اش به این فکر بودم که نماز صبحم رو خوندم یا نه. هرچی فکر کردم یادم نیومد. من ناهار ظهروم یادم نیست چه برسه به نماز صبح. از صادق پرسیدم. می گفت: اگه بعد از گذشتن وقت نماز شک کنی که نماز رو خوندی یا نه لازم نیست قضای اون نماز رو بخونی. [۱].

[صفحه ۱۴۷]

[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۶۷، قسمت سوم.

شک در نمازهای مستحبی

نیم ساعت بعد همین جا! صحن مسجد گوهرشاد، کنار حوض.
قرار شد هرکسی زیارت کنه و برگرده این جا. نماز زیارت رو بخونیم و با هم بریم ناهار.
توی نماز زیارت حواسم پرت شد. شک کردم رکعت اولم یا دوم. هرچی فکر کردم به جایی نرسیدم. مهم نبود. توی رکعت های نماز مستحبی به شک توجهی نمی شه [۱]. [۲].

[صفحه ۱۴۸]

[۱] مثلاً اگر شک دارد که یک رکعت خوانده یا دو رکعت می تواند با خود بگوید یک رکعت خوانده ام و نماز را ادامه دهد یا این که بگوید دو رکعت خوانده ام و نماز را تمام کند.
[۲] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۶۷، قسمت ششم.

شک بعد از سلام

این یکی رو هم اگه می زدم تموم می شد. تست های قسمت معارف یه مقداری سخت بود. سخت که نه، من کم وقت گذاشته بودم.

توی نماز به این جور شک ها توجه نمی شه. یک دفعه یادم اومد. آره. بعد از سلام، اگه بعد از سلام نماز توی رکعت های نماز شک کنیم.

بدون این که بقیه گزینه ها رو بخونم همون رو علامت زدم. بقیه ی گزینه ها رو که خوندم، کاملاً مطمئن شدم. [۱]
[۱] توضیح المسائل امام خمینی (ره)، مسأله ۱۱۶۷، قسمت دوم.